

مستدام

۳۸۵

سال نهم • شنبه ۱ آذر ۹۹
۱۰۰ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان



اقتصاد چه زمانی از رکود کرونایی نجات پیدا می کند؟

همزمان با خبرهای امیدبخشی که از کشف واکسن کووید ۱۹ به گوشمان می رسد، نتایج مطالعات و پژوهش های اقتصادی تا حدودی ناامیدمان می کند. ارزیابی برخی اقتصاددانان از جمله **محمد هاشم بسران** و همکارانش این است که نمی توان زمان مشخصی برای خروج اقتصادها از رکود فعلی مشخص کرد؛ چون نمی دانیم واکسن چه زمانی تأیید می شود و چه زمانی به دست همه مردم می رسد. پس ممکن است این وضعیت چندین سال به طول انجامد. اقتصاد کدام کشورها از این دام، جان سالم به در می برد؟



جنگ و صلح

قرارداد ارمنستان و آذربایجان به سود کیست؟

نسیم بایدنی

بازارها به کدام سو می روند؟

جهش بدهی

چرا بدهی بانکها به بانک مرکزی افزایش یافت؟



تجارت فردا این هفته در پرونده‌های ویژه به بررسی تبعات شیوع ویروس کووید ۱۹ بر اقتصاد جهان پرداخته است. صفحات ۵۲ تا ۶۵ را بخوانید.



اقتصاد کلان
به‌الدین حسینی‌هاشمی از دلایل افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی می‌گوید



دیپلماسی
عبدالرضا فرج‌راد از تاثیرات قرارداد صلح قره‌باغ بر ایران می‌گوید



صفحات ۳۰ تا ۳۳
بررسی وضعیت نگارش و چاپ مقالات علمی اقتصادی در گفت‌وگو با مهدی فیضی



صفحات ۴۶ تا ۴۷
بررسی آثار اقتصادی کووید ۱۹ در گفت‌وگو با محمد هاشم پسران



صفحات ۴۸ تا ۵۱
کرنا، تبعات اقتصادی و مداخلات سیاستی دولت در میزگرد کامیار محدث و محمد مروتی



صفحات ۷۶ تا ۸۹
چرا اقتصاددانان به سنت وبلاگ‌نویسی علاقه‌مندند؟



بازار سهام
شاهین چراغی عضو شورای عالی بورس در خصوص تحریم بازار سرمایه ایران گفت



صفحات ۶۲ تا ۶۵
بازارهای موازی
فردین یزدانی از دلایل کاهش سرمایه‌گذاری در حوزه مسکن می‌گوید



صفحات ۷۰ تا ۷۳
مشارکت سیاسی
مریم زارعیان از رابطه میان فقر و دموکراسی می‌گوید

- همراه با بخش‌های**
- خبرنامه: صفحات ۶ تا ۱۷
 - تولدروشن‌فکر: صفحات ۲۰ تا ۲۱
 - جمعیت: صفحات ۷۴ تا ۷۷
 - مقالات: صفحات ۹۰ تا ۹۵

جناب آقای مهدی نوروزیان
از صمیم قلب در گذشت مادر بزرگوارتان را به شما و خانواده گرامی تسلیت می‌گوییم.
دوستان شما در هفته‌نامه تجارت فردا

www.tejaratefarda.ir

توسعه بازار (تبلیغات):
مدیر: زینب سادات میرهادی
حیمیدرضا اسلانی، زهرا مسافر، بهنام عقیلی
مہتاب رحمتعلی، لیلیا کبرپور، فاطمه بهادری
زینب طاری، رضا دهقان، محمود طوقدار
تلفن آگهی‌ها: ۰۲-۴۲۷۱۰۴۲
ناظر چاپ: علی زارع
تدارکات: مهدی غلامپور
نشانی: خیابان قائم مقام فراهانی
ضلع شمالی میدان شعاع، پلاک ۱۰۸
تلفن: ۴۲۷۱۰۴۶۰
فکس: ۴۲۷۱۰۴۶۲
روابط عمومی: ۴۲۷۱۰۱۶۰
توزیع: دنیای اقتصاد
تلفن: ۳۲۱ - ۸۷۷۶۲۲۰۰ - فکس: ۸۷۷۶۲۲۰۱
چاپ: امید نشر و چاپ ایران، تلفن: ۵۵۲۷۵۷۷۱

تحریریه:
فاطمه شیرزادی، شادی معرفتی، علی طهماسبی، حمید متقی
محبوبه فکوری، مجید حیدری، زینب موسوی، بهاره چراغی
حمید عزیزی، رسول فروغ‌فرد، محمدحسین شاوردی
محمد نازاری، محمدعلی سربابیان، هانیه لاری
علیرضا اعظم‌پور، سامیار درزی، سهیل مختاری
مترجمان: جواد طهماسبی، محمدعلی نژاد
مکدما مین طباطبایی، نیما شایان مهر
هنری و فنی:
مدیر آتلیه: آرژ لاجورد
صفحه آرایی: جمال دیدگر، حسین احمدی
محمد محمودی، علیرضا تاجیک
عکس: سعید عامری
اینفوگرافیک: ارشین میرسعیدی
طرح: آزاده پاک‌نژاد
ویراستاران: زهرا زارعی، محبوبه شریفی، آزاده چیدری
حروفچینی: ساره سیدناصری، سیده معظمی

دبیران تحریریه:
رضا طهماسبی، مصطفی نعمتی، جواد حیدریان
مدیر اجرایی: فرهاد حسین پور
تحلیلگران:
حمید آذرمند، علی ابراهیم‌نژاد، سجاد ابراهیمی
سعید اسلامی، بیژنگلی، رضا بوستانی، مولود پاکرون
سمیه توحیدلو، حسین جوشقانی، علی چشمی
امیرحسین خالقی، فرهادخان میرزایی، محمدرضا داودالحسینی
محبوبه داودی، حسین راهداری، نویدنژیسی، مریم زارعیان
حامد زرنندی، علی شاکر، محمود صدری، سیدشیمه طاهری
مجید عینیان، محمدرضا فرخی، رامین فروزنده
علی فرحبخش، پویا فیروزی، مهدی فیضی
حمید قنبری، امیر کرمانی، هومن کریمی، محمد کونری
محمد گرچی‌آرا، رامین مجاب، بهروز ملکی
فاطمه مهجوریان، پویا ناظران، نیما نامداری
فاطمه نجفی، عطیه وحیدمشن

هفته‌نامه اقتصادی
تجارت فردا
سال نهم، شماره ۳۸۵
شنبه ۱ آذر ۱۳۹۹

صاحب امتیاز: دنیای اقتصاد تابان
مدیرمسئول: علیرضا بختیاری
سر دبیر: محمد طاهری
شورای سیاست‌گذاری:
یحیی آل اسحاق، عباس آخوندی
محمد مهدی بهگیش، محسن جلال‌پور
پویا جبل‌عاملی، داود دانش‌جعفری
احمد دوست‌حسینی، علی اصغر سعیدی
داود سوری، محمد طبیبیان، پرویز عقیلی‌کرمانی
موسی‌غنی‌نژاد، سیدفرهادفاطمی
غلامعلی فرجادی، مسعود باسیان، علی میرزاخانی
محمد نهاوندیان، مسعود نیلی، فرهاد نیلی

اینجا چراغی روشن است

اقتصاددانان جوان ایرانی در چند ماه اخیر مشارکت قابل توجهی در نگارش و انتشار مقالات علمی اقتصاد در نشریات معتبر بین‌المللی داشته‌اند که نشان از تغییر و تحولاتی هر چند کوچک و ابتدایی اما مهم در علم اقتصاد در ایران است.



کارایی ترنیمی
گام به گام برای مساله تخصیص نصادفی

• مهدی فیضی (استادیار اقتصاد دانشگاه فردوسی)
• رسول رمضانیان (استادیار ریاضی کاربردی دانشگاه فردوسی)
منتشر شده در نشریه اقتصاد ریاضیاتی - اکتبر ۲۰۲۰

بازتوزیع در بازارها

• محمد اکبرپور (دانشگاه استنفورد)
• اسکات دوک کامینرز (دانشگاه هاروارد)
• پیوتر ورکزاک (دانشگاه نورثوسترن)
منتشر شده در نشریه اکتونومیریکا - جولای ۲۰۲۰

وام‌های ضروری و مصرف: شواهدی از کووید ۱۹ در ایران

• محمد حسینی (استادیار اقتصاد موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی)
• تورستن یک (استاد بانکداری و مالی مدرسه کسب‌وکار کس دانشگاه لندن)
منتشر شده در سایت VOX EU - آگوست ۲۰۲۰

تأثیر تعطیلی ناشی از کووید ۱۹ و بازگشایی پس از آن روی مصرف در ایران

• محمد حسینی (استادیار اقتصاد موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی)
• ابوالحسن والی‌زاده (معاون مدیر کل دفتر آمار و پایش اقتصادی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی)
منتشر شده در سایت SSRN - جولای ۲۰۲۰

اینفوگرافیک: آرشین میرسعیدی

شاید که آینده

چرا اقتصاددانان جوان ایرانی به انتشار مقالات علمی روی خوش نشان داده‌اند؟

◀ رضا طهماسبی

پرونده سوم

مستثنی نیستند، ضمن اینکه در این علم به خاطر وارداتی بودنش، مساله بزرگ‌تر و پیچیده‌تر بوده است. اقتصاددانان سرشناس ایرانی غالباً درس خوانده و تحصیل کرده دانشجویان غربی‌اند که بعد از مدتی به کشور برگشته و اگر فرض بگیریم تمام توان و انگیزه خود را برای کار حفظ کرده‌اند، بیشتر تلاششان معطوف به توصیه و راهنمایی سیاستگذار بوده است تا در عرصه سیاستگذاری اقتصادی، توصیه‌های علم اقتصاد را مدنظر قرار دهد. فارغ از اینکه تا چه اندازه گوش سیاستگذار به این حرف‌ها بدهکار بوده است، عمده موفقیت نسل قدیم اقتصاددانان ایرانی در توسعه فضای آموزش علم اقتصاد بوده، نه تولید محتوای علمی. اقتصاددانان نیروی خود را صرف توسعه دانشکده‌های اقتصاد و افزایش گرایش‌ها و جذب دانشجو کردند تا زمین بازی علم اقتصاد در ایران گسترده‌تر و بازگرایش بیشتر شوند. نتیجه اینکه اگر چه کمتر محتوای علمی در قالب مقالات در نشریات بین‌المللی مطرح کردند اما نسل جوانی را پرورش دادند که با حضور در دانشکده‌های بین‌المللی برای تکمیل تحصیلات حالا با انگیزه بالا و آشنایی با مباحث روز آکادمی‌های اقتصاد توان بالایی برای توسعه محتوای علم و عمق بخشیدن به زمین بازی دارند.

نتیجه حضور اقتصاددانان جوان ایرانی در دانشکده‌های معتبر اقتصاد مانند شیگاهوار، هاروارد، استنفورد، ام‌آی‌تی و... باعث شده است تا نسل جوان برای حفظ توان رقابتی خود با دیگر اقتصاددانان جوان اعم از آنان که بازگشته و در دانشکده‌های داخلی مشغول به تدریس و پژوهش هستند یا آنان که در دانشکده‌ها و اندیشکده‌های خارجی مشغول‌اند، به کار پژوهشی علمی اهمیت بیشتری بدهد و

چراغ تولید علم در کشور ما پر نور و روشن نیست، هرازگاهی تصادفاً درخشش دارد و گاهی نیز سوسو می‌زند و به مرز تاریکی می‌رسد. البته این توصیف، میانگینی از کلیت وضعیت علوم مختلف است. در جایی مانند علوم فنی و مهندسی، دانشکده‌هایی چون شریف یا تهران در عرصه بین‌الملل هم شناخته شده‌اند و در برخی دیگر از جمله اقتصاد، فاصله سطح علم در دانشکده‌های اقتصاد ایران تا آنچه در دنیا وجود دارد، هنوز بسیار است.

با این همه در این حوزه هم می‌توان به جرات عنوان کرد که قصور اصلی متوجه سیاستگذار و انگشت اتهام به سمت اوست، که هم در کلیت نظام آموزشی و هم در بخش‌های زیرمجموعه‌اش نتوانسته است طی زمان تغییر و تحولات مناسبی داشته باشد و خود را به‌روز کند. نظام آموزشی کنونی کُشنده انگیزه است و توان پژوهشگران را در چارچوب‌های کهنه، مستهلک می‌کند. از نظام پذیرش

افراد در هیات علمی دانشگاه‌ها تا نظام ارزشیابی افراد و پژوهش‌ها جملگی دارای خطاهای سیاستگذاری عمده‌ای هستند که می‌تواند در بلندمدت ذهن‌های خلاق را از کار پژوهشی نوآورانه و توسعه علم در فضای دانشگاهی ایران بازدارد. چرا که نظام ارزشیابی و ارتقا بر پایه‌های دیگری استوار است که الزاماً راه درست توسعه علم نیست. دانشکده‌های اقتصاد نیز از وضع عمومی حاکم بر فضای آکادمیک

فارغ از انگیزه‌کنشی نظام ارزشیابی داخلی، به خاطر انگیزه‌های توسعه فردی وقت و هزینه زیادی برای این کار اختصاص دهد. نتیجه آن نیز امروزه در مقالات چاپ‌شده و افتخارات کسب‌شده از سوی اقتصاددانان جوان ایرانی دیده می‌شود. برای نمونه در چند ماهی که از سال ۲۰۲۰ گذشته چندین و چند اتفاق کام اقتصادخواندها و اقتصاددانان ایرانی را اندکی شیرین و به آینده آن امیدوار کرده است. از جمله می‌توان به محمد اکبرپور، استادیار دانشگاه استنفورد اشاره کرد که یکی از هشت اقتصاددانی است که به تازگی در آمریکا موفق به کسب بورسیه تحقیقاتی موسسه آلفرد اسلون شده است، یا انتشار یک مقاله کم‌سابقه در حوزه نظری اقتصاد از مقاله مهدی فیضی و رسول رضانیان، در نشریه معتبر اکونومتریکا نیز می‌توان به مقالاتی برخورد که در فهرست نویسندگان اقتصاددانان ایرانی مانند دانیال لشکری و احمد پیوندی حضور دارند یا مقالات متعددی در حوزه کرونا و اثر سیاست‌گذاری‌های مختلف دولت، توسط چهره‌های متفاوتی مانند محمد حسینی، کامیار محدث، داود بقایی و محسن والی‌زاده نوشته شده است که با استفاده از داده‌های موجود و اثرات مشهود، این سیاست‌ها را ارزیابی کرده و در معرض نقد دیگران قرار داده است. شاید نگاهی کوتاه به برخی از این مقالات خالی از لطف نباشد.

● کارایی‌گام‌به‌گام برای بهبود مساله تخصیص تصادفی

مهدی فیضی و رسول رضانیان، استادان اقتصاد و ریاضیات دانشگاه فردوسی مشهد به تازگی مقاله‌ای در مورد بهبود کارایی در تخصیص‌های تصادفی (Random Assignment) نوشته و در نشریه اقتصاد ریاضیاتی (Mathematical Economics) منتشر کرده‌اند که به خاطر یک ویژگی خاص بسیار حائز اهمیت است: این مقاله احتمالاً نخستین مقاله‌ای است که در دهه‌های اخیر در حوزه نظری علم اقتصاد توسط اقتصاددانان ایرانی در دانشگاه‌های داخلی نوشته و در فضای بین‌المللی منتشر شده است. غالب مقالات منتشرشده اقتصادی، تجربی (Empirical) و بر پایه داده‌هایی است که در داخل اقتصاد ایران وجود دارد. مقاله فیضی و رضانیان به علاوه از این منظر یکتا و قابل توجه است که جنبه نظری علم اقتصاد را توسعه داده است.

مهدی فیضی درباره ویژگی‌هایی که این مقاله را حائز اهمیت ویژه‌ای می‌کند، به تجارت فردا گفت: «مقاله‌ای که اخیراً منتشر کرده‌ایم از چند جهت دارای اهمیت است. دست‌کم تا جایی که اطلاع دارم تاکنون مقاله‌ای در حوزه نظری علم اقتصاد از داخل کشور چاپ نشده بود. ما اقتصاددانان خوبی در خارج از کشور داریم که در معتبرترین مجلات، مقالات درجه اولی در حوزه نظری چاپ کرده‌اند؛ از پروفیسور محمد هاشم پسران به عنوان یکی از باسابقه‌ترین‌ها گرفته تا اقتصاددانان جوان مانند دکتر محمد اکبرپور. این مقالات حاصل پژوهش در فضای دانشگاهی خارج از ایران بوده است. اما دست‌کم اطلاع ندارم که از داخل ایران مقاله‌ای در حوزه تئوری در نشریات بین‌المللی اقتصادی چاپ شده باشد؛ ما در این مقاله به طور مشخص در موضوع تخصیص‌های تصادفی که زیرمجموعه‌ای از حوزه جورسازی (Matching) است که خودش ذیل حوزه طراحی بازار (Market Design) قرار می‌گیرد، مفهوم جدیدی از کارایی را معرفی کردیم که پیش از این روی آن کار نشده بود. در این مقاله نشان دادیم تمام مکانیسم‌هایی که در پیشینه پژوهش در حوزه تخصیص‌های تصادفی کالاها به افراد وجود داشته است نمی‌توانند بر مبنای این مفهوم جدید، خروجی کار داشته باشند. همچنین مکانیسمی را نشان دادیم و اثبات کردیم که می‌تواند خروجی کاراتری نسبت به مکانیسم‌های قبلی تخصیص

کالا به افراد داشته باشد که در حوزه عملی هم قابل بهره‌برداری و کاربردی است. همچنین در ادبیات تخصیص، بده‌بستانی بین تخصیص منصفانه و تخصیص کارا وجود دارد (Fairness Vs. Efficiency) به این مفهوم که معمولاً وقتی کارایی یک تخصیص بیشتر می‌شود، آن تخصیص کمتر منصفانه است یا وقتی که روی منصفانه بودنش تاکید زیادی وجود دارد، کارایی تخصیص کاهش می‌یابد. ما در بخشی از مقاله اثبات کردیم که معنای جدیدی که از کارایی ارائه کرده‌ایم، نه تنها بده‌بستانی با همه انواع منصفانه بودن ندارد بلکه کاملاً منطبق بر یکی از تعارف تخصیص تصادفی منصفانه است. یعنی اگر این نوع از کارایی محقق شود، هم‌زمان تخصیص منصفانه هم خواهد بود. این یکی شدن نتیجه مهمی است که نشان می‌دهد بده‌بستان کارایی-انصاف الزاماً همواره وجود ندارد که حتماً لازم باشد یکی را از دست بدهیم تا دیگری را به دست آوریم.» این مقاله مهم که فوریه ۲۰۲۰ برای نشریه اقتصاد ریاضیاتی ارسال شده بود بعد از داور و پذیرش در ۲۶ اکتبر ۲۰۲۰ منتشر شد و در دسترس خوانندگان و دیگر پژوهشگران برای نقد و بررسی قرار گرفت.

● باز توزیع در بازارها

محمد اکبرپور که طی ماه‌های گذشته هم به خاطر بردن بورسیه تحقیقاتی اسلون و هم به خاطر نوبل بردن استادانش، پل میلگرام و رابرت ویلسون، بارها در متن خبرهای علمی اقتصاد بوده است، در ماه جولای امسال نسخه بازبینی‌شده تازه‌ای از مقاله‌اش را با عنوان «بازتوزیع در بازارها» با همکاری دو نویسنده دیگر در نشریه معتبر اکونومتریکا منتشر کرد. نسخه اول این مقاله در فوریه ۲۰۱۸ منتشر شده بود. این مقاله که در حوزه طراحی بازار منتشر شده است به مقررات قیمت‌گذاری که توسط سیاستگذار و در واکنش به نابرابری وضع می‌شود پرداخته است و ساختار بهینه این قبیل سیاستگذاری‌ها را از منظر طراحی بازار به آزمون می‌گذارد. نویسندگان می‌نویسند که تخصیص تعادلی-رقابتی همیشه بهینه نیست. در مقابل جایی که نابرابری گسترده‌ای در

حاشیه بازار وجود دارد طراحی بهینه از مکانیسمی مالیات‌گونه بهره می‌برد و شکاف بین قیمت فروشنده و خریدار را شناسایی و مازاد را به طرف فقیرتر بازار باز توزیع می‌کند. محمد اکبرپور در مورد این مقاله می‌گوید: «این مقاله از یک طرف نقدی است بر نوع نگاه به عملکرد بازار در درس اقتصاد ۱۰۱، و از طرف دیگر نشان می‌دهد که برای اینکه مکانیسم قیمت تعادلی بازار به هدف خودش (رساندن کالاها به افرادی که بیشترین مطلوبیت را از آن کالا می‌گیرند) برسد لازم است میزان نابرابری اقتصادی به نسبت پایین باشد (سیستم باز توزیع در اقتصاد کلان خوب کار کند). با نابرابری اقتصادی بالا، سیاست‌هایی مانند کنترل قیمت می‌تواند به عنوان راه‌حل‌های بعدی برای مساله نابرابری مطرح شوند و حتی بهینه باشند.»

● بی‌ثباتی بازارهای متمرکز

احمد پیوندی، که در دانشکده اقتصاد دانشگاه پنسیلوانیا مشغول است با مشارکت راکش وُر از دانشکده سیستم‌های مهندسی همین دانشگاه، مقاله‌ای با عنوان «بی‌ثباتی بازارهای متمرکز» نوشته‌اند که ۳۱ آگوست امسال در نشریه اکونومتریکا به چاپ رسید. خلاصه این مقاله می‌گوید که بازارهای متمرکز دامنه جست‌وجو برای خریدار و فروشنده را کاهش می‌دهند و هر چه به اصطلاح ضخیم‌تر باشند، شانس مبادله با قیمتی نزدیک‌تر به قیمت رقابتی بیشتر می‌شود. پیوندی و همکارش در این مقاله جالب توجه این مبحث را مطرح می‌کنند که چندپاره بودن خصیصه اجتناب‌ناپذیر بازارهای متمرکز (به‌جز در برخی محیط‌های ویژه) است. برای نمونه بازارهای اوراق بهادار یا بازار تبلیغات برخط از نمونه‌های برجسته بازارهایی هستند که از منظر تجاری چندپاره می‌شوند.

● تغییرات ساختاری با درآمد بلندمدت و اثرات قیمت

دانیال لشکری، از بوستون کالج دیگر اقتصاددانان ایرانی بود که در اکونومتریکا مقاله منتشر کرد. او به همراه دو نویسنده دیگر، دیه‌گو کامین از دانشگاه دارتموث و مارتی مستی‌یری از دانشگاه نورث‌وسترن، در ژوئن امسال مقاله‌ای با عنوان «تغییرات ساختاری با درآمد بلندمدت و اثرات قیمت» منتشر کردند. نویسندگان در این مقاله مدل رشد چندبخشی را معرفی کردند که ویژگی غیریکدستی دارد و عرضه و تقاضا را در بلندمدت با یک تغییر ساختاری برای تعدادی از بخش‌های اختیاری تطبیق می‌دهد.

● کووید ۱۹ و توسعه مقاله‌نویسی

همه‌گیری کووید ۱۹ فرصت تازه‌ای را در اختیار پژوهشگران و مقاله‌نویسان و اعضای هیات علمی همیشه درگیر با کلاس‌های حضوری قرار داد تا بتوانند وقت بیشتری برای مطالعه و تحقیق بگذارند. محققان مختلف هم آثار و تبعات اقتصادی بیماری کرونا را مدنظر قرار دادند و هم به ارزیابی سیاست‌های دولت پرداختند. از جمله مهم‌ترین این مقالات می‌توان به مقاله محمد حسینی، استادیار موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، اشاره کرد که به همراه تورستن بک به بررسی اثر سیاست وام یک میلیون تومانی دولت به خانوارهای آسیب‌دیده از کرونا پرداخته و می‌تواند برای سیاستگذار بسیار کاربردی باشد. حسینی همچنین در مقاله‌ای دیگر با محسن والی‌زاده، به اثر تعطیلی و بازگشایی پس از آن به خاطر همه‌گیری کرونا بر مصرف در ایران پرداخته است. در این حوزه همچنین کامیار محدث و محمد هاشم پسران به همراه دو نویسنده دیگر با تحلیل وضعیت چند کشور به بررسی پیامدهای اقتصادی شیوع کووید ۱۹ پرداخته‌اند. ◀



رکود با ما خواهد بود

آثار منفی کرونا تا چه زمانی در اقتصاد باقی می ماند؟

کشورها و بازارهاست. مابدا استناد می کنیم که نوسانات بیش از حد جهانی می تواند بر رشد تولید در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته و بازارهای نوظهور تاثیر بگذارد. نوآوری کار ما در مقایسه با مدل های استاندارد رگرسیون آستانه این است که غیرخطی بودن به جای شوک های خاص کشورها یا دوره های بی ثباتی، با مقیاسی از عدم اطمینان جهانی تحریک می شود.

سپس، ما یک مدل چندکشوری (شامل ۳۳ اقتصاد) توسعه یافته با اثرات آستانه از ژانویه ۱۹۷۹ تا دسامبر ۲۰۱۹ را تخمین زدیم. چارچوب ما (که ما آن را GVAR آستانه افزایش یافته یا «TGVAR» می نامیم) توسعه یافته یک فرمت استاندارد مدل GVAR است که در مقاله چودیک و پسران (۲۰۱۶) بررسی شده است. مدل به روز شده ما، ابعاد زمانی و مقطعی داده ها، محرک های واقعی و مالی فعالیت های اقتصادی و عوامل مشترک مانند قیمت نفت و نوسانات جهانی را در نظر می گیرد. همچنین بین عوامل نهفته مشترک و روابط تجاری منطقه ای تفاوت قائل می شود. مدل های خاص کشور شامل رشد تولید، نرخ واقعی ارز و همچنین قیمت واقعی سهام و نرخ بهره بلندمدت در صورت موجود بودن است.

شوک کرونا با استفاده از تجدیدنظرهای پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی صندوق بین المللی پول بین ژانویه و آوریل ۲۰۲۰ شناسایی می شود، با این فرض که کرونا عامل اصلی این بازنگری پیش بینی ها بود. سپس ما با مقایسه پیش بینی اقتصاد جهانی از ژانویه ۲۰۲۰ تا دسامبر ۲۰۲۱ در حضور و عدم حضور شوک کرونا و با استفاده از «توابع پاسخ تکانه ای کلی»، تاثیر اقتصادی شوک را کمی می کنیم. ما عدم اطمینان نمونه را در نظر می گیریم و طیف وسیعی از نتایج احتمالی را با «بوت استرپ» پیش بینی های مشروط بر اساس صورت فلکی مشترک و اغتشاشات منطقه ای و خاص کشور که اقتصاد جهان در گذشته تجربه کرده است، گزارش می دهیم.

● تاثیر کرونا بر اقتصاد

چندین کانال وجود دارد که از طریق آنها نوسانات بیش از حد جهانی می تواند بر رشد اقتصادی تاثیر بگذارد. اینها شامل پس اندازهای احتیاطی بالاتر، سرمایه گذاری کم یا تاخیر (به دلیل افزایش عدم اطمینان و چشم انداز تقاضای ضعیف تر) و هزینه بالاتر برای افزایش سرمایه (به دلیل هزینه های بالاتر بودجه در یک فضای بی ثبات) (سززا بیانچی و همکاران ۲۰۲۰) می شود. به دنبال شیوع گسترده کرونا، همانند دوره های قبلی بحران مالی، نوسانات جهانی افزایش یافت. تجزیه و تحلیل کشور به کشور ما اهمیت نوسانات جهانی (هر زمان که از حد آستانه تخمین زده شده فراتر رود) برای به دست آوردن رشد تولید آتی را نشان می دهد. برای سادگی، مشخصات اقتصادسنجی فقط اجازه تغییرات در عرض از مبدأ رشد تولید را می دهد، در حالی که سطح آستانه (و احتمالات مربوط به عبور از آن) با استفاده از روش حداکثر احتمال برای کشورهای پیشرفته و نوظهور به طور جداگانه برآورد می شود.

سطح آستانه برآورد شده برای اقتصادهای پیشرفته ۰/۱۵۶ در هر فصل، کمی بالاتر از برآورد ۰/۱۲۹ به دست آمده برای بازارهای در حال ظهور است (شکل ۱). توجه داشته باشید که نوسانات جهانی طی چهار فصل از سطح ۰/۱۵۶ در دوره بین فصل دوم ۱۹۷۹ تا فصل چهارم ۲۰۱۹ فراتر رفته است (احتمال وقوع چنین اتفاقی بسیار کم است: حدود دو درصد). متغیر آستانه نوسان جهانی از نظر آماری در ۱۵ از ۱۹ اقتصاد پیشرفته در نمونه ما (۸۰



▲ الکساندر چودیک
اقتصاددان ارشد بانک
فدرال رزرو دالاس



▲ کامیار محدث
استاد دانشگاه کمبریج



▲ محمد هاشم پسران
صاحب کرسی جان الیوت در
دانشگاه کالیفرنیا جنوبی



▲ مهدی رئیسی
اقتصاددان ارشد صندوق
بین المللی پول



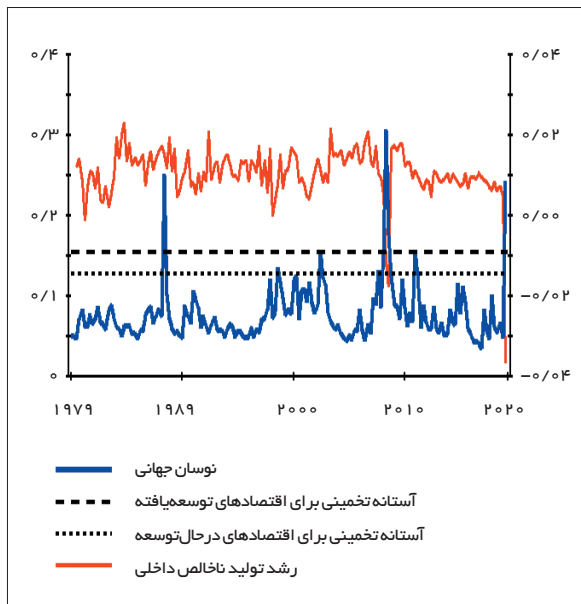
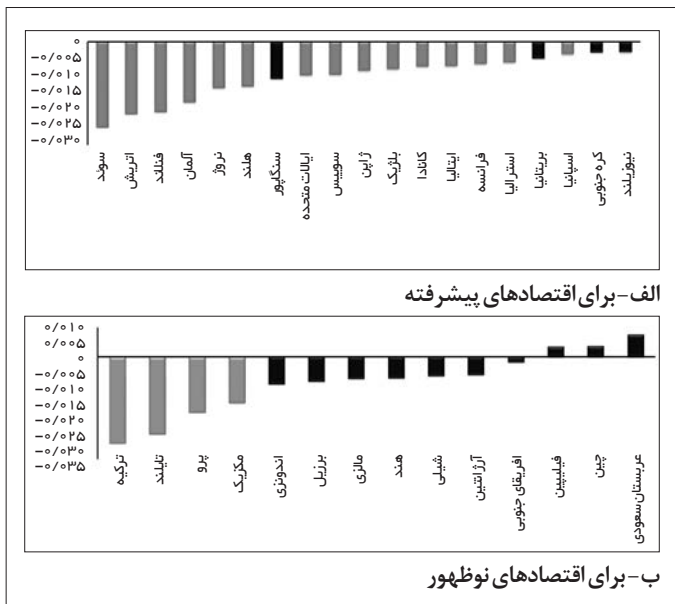
▲ الساندرو روچی
دانشیار دانشکده بازرگانی
جان هاپکینز

بیماری همه گیر کرونا در گستره و تاثیر جهانی خود بی سابقه است و چالش های مهمی را پیش روی سیاستگذاران و تحلیلگران برای تحلیل تجربی تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن در اقتصاد به هم پیوسته جهانی قرار داده است. این مقاله از یک مدل اقتصادسنجی چند کشور با آستانه افزایشی استفاده می کند تا تاثیر شوک کرونا را در چندین بعد اندازه گیری کند. نتایج تجزیه و تحلیل نشان می دهد که رکود جهانی طولانی مدت خواهد بود و هیچ کشوری صرف نظر از استراتژی کاهش خود، از تاثیر آن نجات نخواهد یافت. یافته های این مقاله، پاسخ یک سیاست هماهنگ چندکشوری به بیماری کرونا را می طلبد.

بیماری همه گیر کرونا یک شوک جهانی بی مانند است که شامل اختلالات همزمان در عرضه و تقاضا در یک اقتصاد به هم پیوسته جهانی است. در سمت عرضه، بیماری نیروی کار و بهره وری را کاهش می دهد، در حالی که فرآیندهای همگانی، تعطیلی مشاغل و فاصله اجتماعی نیز باعث اختلال در عرضه می شود. در سمت تقاضا، اخراج کارگران و از دست دادن درآمد ناشی از بیماری، قرنطینه و بیکاری و بدتر شدن چشم اندازهای اقتصادی، مصرف خانوار و سرمایه گذاری شرکتها را کاهش می دهد. عدم اطمینان شدید در مورد مسیر، مدت زمان، میزان و تاثیر کرونا می تواند چرخه معیوبی از کاهش اعتماد به نفس در کسب و کار و مصرف کننده و محدودیت شرایط مالی ایجاد کند که می تواند منجر به از دست رفتن مشاغل و سرمایه گذاری شود. چالش های کلیدی برای هر گونه تجزیه و تحلیل اقتصادی تجربی کرونا شامل چگونگی شناسایی این شوک بی سابقه، نحوه مدل کردن اثرات غیرخطی آن، چگونگی در نظر گرفتن سرریزهای بین کشوری آن (و سایر عوامل جهانی مشاهده شده و غیر قابل مشاهده) و با توجه به ماهیت بی سابقه آن، نحوه کمی سازی کردن عدم قطعیت پیرامون پیش بینی ها می شود. مجموعه تحقیقاتی که به سرعت در حال رشد است، اثرات ناممکن، غیرخطی و نامشخص اقتصاد کلاتی کرونا را در سراسر کشورها، بخش های مختلف در کشورها و همچنین در مقیاس جهانی بررسی می کند. پاکانو و دیگران (۲۰۲۰) و کاپل بلانکاره و دسروز برس (۲۰۲۰) اثرات کرونا را در بازار سهام ایالات متحده در نظر می گیرند و تاثیر متفاوت آن را بر بخش های مختلف اقتصاد برجسته می کنند. لودویگسون و همکاران (۲۰۲۰) در یک چارچوب VAR و با اندازه گیری اندازه شوک کرونا به صورت نسبی و در قیاس با فاجعه های پرهزینه گذشته، تاثیر اقتصادی کلان کرونا را در ایالات متحده تعیین می کنند. بقایی و فرهی (۲۰۲۰) تاثیرات غیرخطی احتمالی را در پاسخ به کرونا در یک مدل چندبخشی در نظر می گیرند. آنها نشان می دهند که چگونه این شوکها توسط عوامل غیرخطی تقویت شده یا کاهش می یابند و با استفاده از داده های تفکیکی از ایالات متحده، اثرات آنها را کمی می کنند. مک کیبین و فرناندو (۲۰۲۰) اثرات اقتصاد کلان جهانی را در مورد سناریوهای محتمل نحوه تکامل کرونا در سال آینده بررسی می کنند و نقش سرریزها را برجسته می کنند. چارچوب ما ویژگی های بارز این تجزیه و تحلیل های کمی را در خود جای داده است.

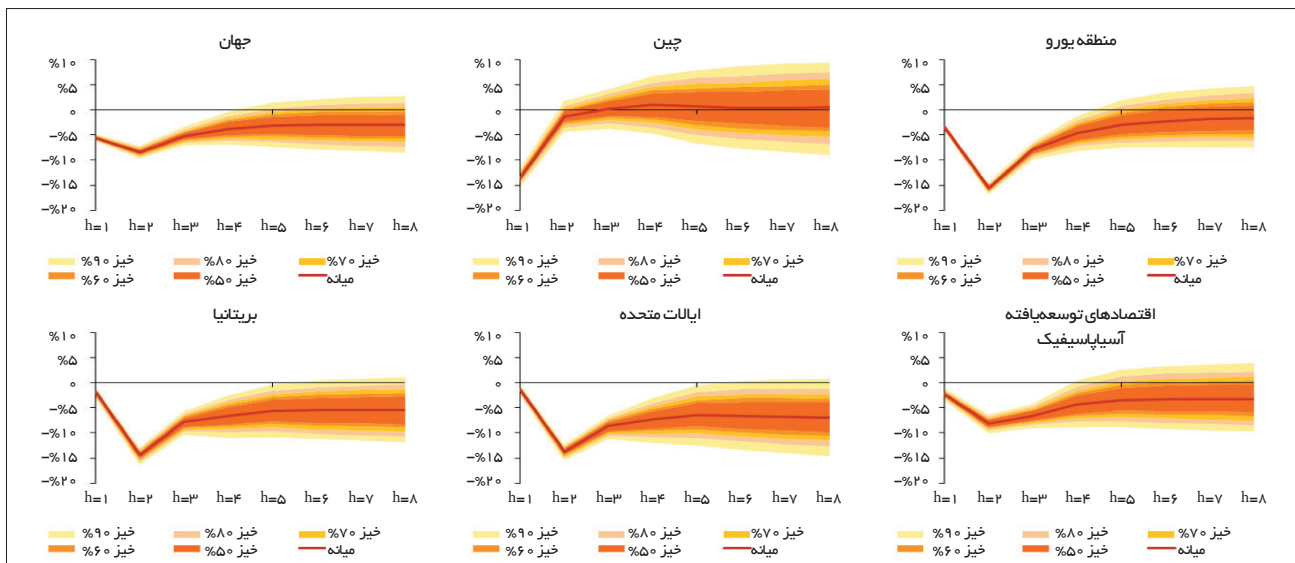
● بررسی آثار کرونا

در مقاله اخیر (چودیک و همکاران ۲۰۲۰)، ما از تجزیه و تحلیل تک کشور فاصله گرفته و یک مدل اقتصادسنجی چندکشوری را توسعه می دهیم که با متغیرهای آستانه نوسانات جهانی تقویت می شود. این موارد برای ثبت اثرات رویدادهای نادر مانند کرونا و حساسرسی برای سرریزها و اتصالات متقابل

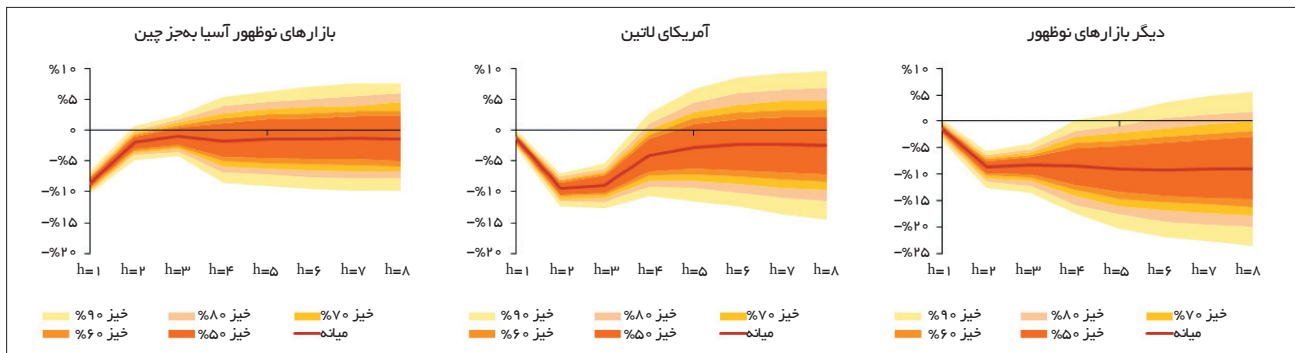


▲ شکل ۲- اثرات آستانه‌های تخمین زده شده مختص هر کشور^۱

▲ شکل ۱- نوسانات جهانی و رشد تولید ناخالص داخلی، از آغاز سال ۱۹۷۹ تا آغاز سال ۲۰۲۰



▲ شکل ۳- پیش‌بینی‌های تولید ناخالص داخلی واقعی پدوواقع، از آغاز سال ۲۰۲۰ تا پایان سال ۲۰۲۱



▲ شکل ۴- پیش‌بینی‌های تولید ناخالص داخلی واقعی پدوواقع بازارهای نوظهور، از آغاز سال ۲۰۲۰ تا پایان سال ۲۰۲۱

نکات پایانی

تجزیه و تحلیل پادواقع ما به تأثیرات منفی بزرگ و مداوم کرونا بر اقتصاد جهان اشاره دارد و هیچ کشوری بدون آسیب از دست آن نجات پیدا نمی‌کند. چین و گروه «نوظهور آسیا» در کوتاه‌مدت وضعیت بهتری خواهند داشت. با این حال، نمونه سوئدی هشدار می‌دهد که برای اینکه هیچ اقتصادی از پیامدهای منفی کرونا در یک اقتصاد جهانی به‌هم‌پیوسته مصون نیست. بازارهای نوظهور غیرآسیایی به ویژه آسیب‌پذیر هستند.

این یافته‌ها اهمیت یک واکنش جامع و هماهنگ سیاست بین‌کشوری به کرونا را برجسته می‌کند. این سیاست هماهنگ، شامل تلاش‌های جهانی برای اطمینان از استقرار سریع منابع پزشکی (از جمله واکسن در صورت وجود)، مداخلات سیاستی که می‌تواند عملکرد طبیعی بازارهای مالی را بازگرداند و همچنین اقدامات دیگری که می‌تواند از شرکت‌ها و خانوارها پشتیبانی کند، می‌شود. سرانجام، یک رویکرد مدیریت ریسک در سیاست‌گذاری، نیازمند فعالیت برای بیمه کردن در برابر حوادث غیرمترقبه بعدی است که با توزیع نتایج احتمالی به تصویر کشیده شده است. این تلاش‌ها احتمالاً باعث کاهش میزان آسیب می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

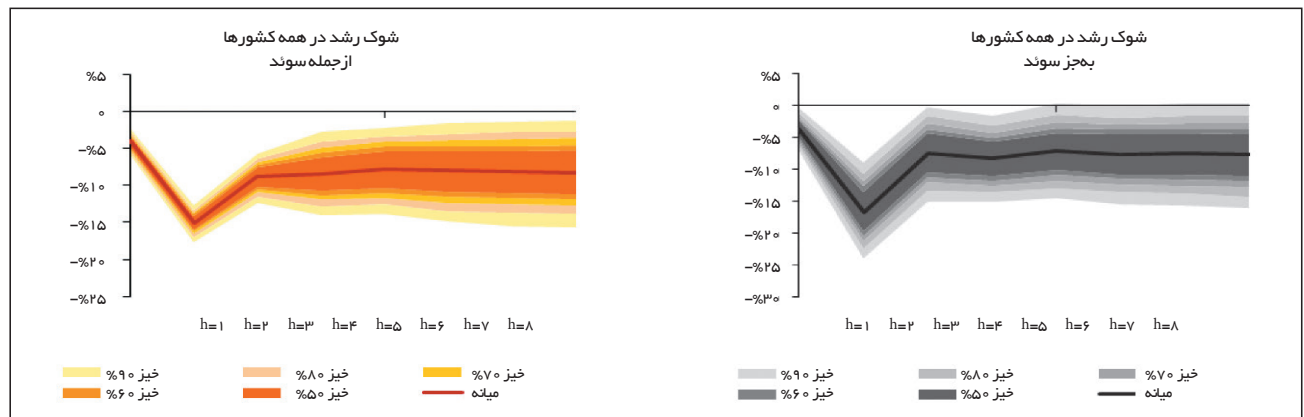
۱- تنها میله‌های خاکستری در سطح اطمینان پنج درصد از نظر آماری قابل توجه هستند.

۲- تأثیرات در مقیاس درصد هستند و محور افقی نیز فصلی است.

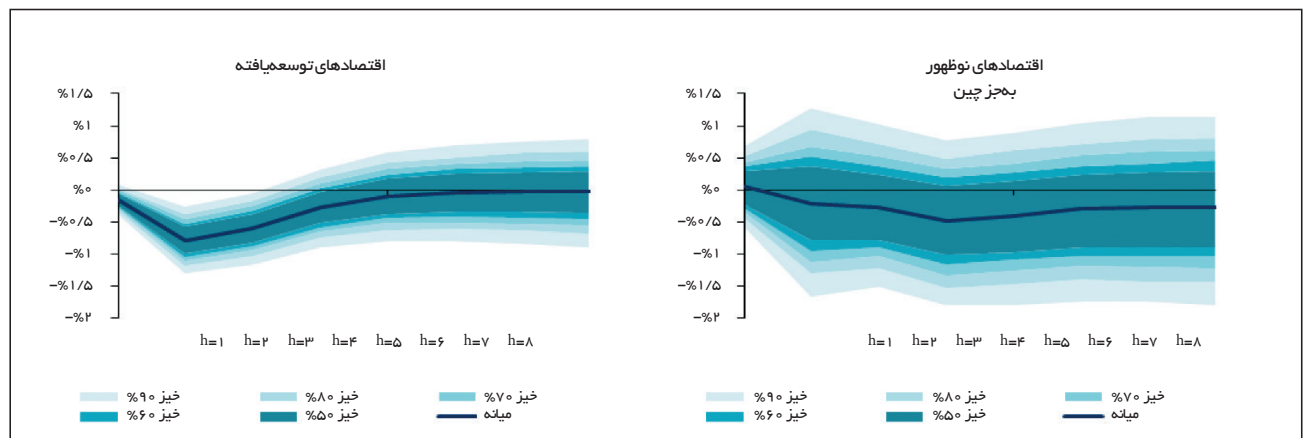
3- Counterfactual

نکته مهم این است که یافته‌های ما نقش سرریزها را برجسته می‌کند، که ما آن را برای کشور سوئد و با توجه به رویکرد سیاست کاملاً متفاوت آن در مورد وپروس کرونا، کمی می‌کنیم. مورد سوئد نشان می‌دهد که هیچ کشوری از ریزش اقتصادی ناشی از کرونا، به دلیل ارتباطات متقابل و ماهیت جهانی این شوک، مصون نیست (شکل ۵). ما همچنین تخمین می‌زنیم که بیماری کرونا نرخ بهره بلندمدت را در اقتصادهای پیشرفته حدود ۱۰۰ واحد پایه پایین‌تر از پایین‌ترین سطح قبل از کرونا، پایین می‌آورد (شکل ۶). این واقعه به این دلیل است که این بحران پس‌اندازهای احتیاطی را افزایش می‌دهد و تقاضای سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. با وجود این، در مورد اقتصادهای در حال ظهور که نرخ وام می‌تواند به سرعت افزایش یابد (همان‌طور که در طیف وسیعی از اقدامات پادواقعی نشان داده شده است) نمی‌توان به طور قطعی همین را گفت.

درصد موارد) و چهار از ۱۴ اقتصاد در حال ظهور از نظر آماری قابل توجه است (شکل ۲). با وجود این، تأثیرات آستانه در تمام اقتصادهای پیشرفته و به جز سه بازار در حال ظهور منفی است. به علاوه، وقتی نتایج را با یک نمونه کوتاه‌تر از سال ۱۹۹۰ مجدداً اجرا می‌کنیم، این نتایج تقویت می‌شوند. با توجه به اهمیت تأثیرات آستانه نوسانات جهانی برای رشد تولید آتی، نتایج برآورد مدل کلی‌تر «TGVAR» خود را در زیر ارائه می‌دهیم. تجزیه و تحلیل پادواقع^۲ ما با این مدل نشان می‌دهد که کرونا احتمالاً سه درصد از تولید ناخالص داخلی جهان واقعی را نسبت به سطح فعالیت اقتصادی جهانی که در غیاب شوک تحقق می‌یافت، از بین خواهد برد (شکل ۳). ایالات متحده و انگلیس احتمالاً تأثیرات عمیق‌تر و طولانی‌مدت‌تری را تجربه می‌کنند، در حالی که تولید چین بیش از ۵۰ درصد احتمال دارد که خیلی بهتر باشد. شانس منطقه یورو متمایل به بخش منفی است، اما این احتمال وجود دارد که تا پایان سال ۲۰۲۱ سریع‌تر از ایالات متحده بهبود یابد. بقیه کشورهای «نوظهور آسیا» که توسط چین کشیده شده است، شانس بیشتری برای عملکرد بهتر از متوسط جهانی دارند. بازارهای نوظهور غیرآسیایی از نظر آسیب‌پذیری برجسته هستند (شکل ۴). آنها احتمالاً از سقوط قابل توجه تولید در فصول اول و دوم سال ۲۰۲۰ رنج خواهند برد و کمتر از ۲۰، ۳۰ درصد احتمال دارد که تا پایان سال ۲۰۲۱ دچار افت تولید نشوند. ترکیه، آفریقای جنوبی و عربستان سعودی (گروه‌بندی شده به عنوان «سایر بازارهای نوظهور») تقریباً به طور قطع شاهد حداقل هشت فصل رکود شدید در فعالیت اقتصادی خواهند بود.



▲ شکل ۵- پیش‌بینی‌های تولید ناخالص داخلی واقعی پادواقع برای کشور سوئد، از آغاز سال ۲۰۲۰ تا پایان سال ۲۰۲۱



▲ شکل ۶- پیش‌بینی‌های نرخ بهره بلندمدت پادواقع، از آغاز سال ۲۰۲۰ تا پایان سال ۲۰۲۱

حمایت ۲۸۰ میلیارد دلاری

صندوق بین‌المللی پول چگونه
به احیای اقتصاد جهان کمک می‌کند؟



مهدی رئیسی

اقتصاددان ارشد صندوق بین‌المللی پول

تمام کشورهای می‌توانند روی حمایت مالی و مشاوره سیاستی صندوق بین‌المللی پول برای مقابله با کرونا حساب کنند به‌ویژه اقتصادهای با درآمد پایین.

صندوق تاکنون حمایت مالی فوری با سرعت و میزان بی‌سابقه‌ای از ۷۷ کشور به عمل آورده است که شامل ۴۸ اقتصاد با درآمد پایین می‌شود. صندوق این آمادگی را دارد که از تعداد زیادی اقتصادهای با درآمد متوسط نیز حمایت کند.

در حال حاضر تعهدات صندوق بین‌المللی پول برای قرض دادن به همه کشورهای عضو در حال حاضر از ۲۸۰ میلیارد دلار گذشته است، که بیش از یک‌سوم آن از ماه مارس به بعد تصویب شده است. صندوق همچنین به طور دوجانبه یا چندجانبه توصیه‌های سیاستی به کشورهای عضو ارائه می‌دهد.

برای نمونه گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول (چشم‌انداز اقتصادی جهان، گزارش ثبات مالی جهانی، و نظارت مالی) و یادداشت‌های سلسله‌وار ویژه که توسط کارشناسان صندوق تهیه می‌شود به کشورهای عضو در شناساندن تبعات کووید ۱۹ کمک می‌کند.

چین موفق

چرا مرکز شیوع کرونا کمتر از بقیه
کشورها از این بحران آسیب دید؟



الکساندر چودیک
اقتصاددان ارشد
فدرال رزرو دالاس

در پاسخ به این سوال که چرا چین در مدل تحلیلی ما بهتر از بقیه کشورهای دنیا عمل کرده است، لازم است مقداری شفاف‌سازی کنیم. در مدل تحلیلی پادواقع ما، چین تا اندازه زیادی خودش را به عنوان یک استثنا نشان می‌دهد چون که:

الف- تقریباً بخش عمده کشور در اوایل ماه آوریل بازگشایی شد و به فعالیت برگشت. ب- مقدار سرریزهای داخلی اندک بود. ج- برخلاف آنچه در دوره بحران مالی جهانی رخ داده بود، شوک کووید ۱۹ بخش خدمات را هدف قرار داده و به این بخش نسبت به تولید بسیار بیشتر لطمه وارد کرده است.

کشورهایی مانند چین که موفق شده‌اند اثرگذاری بیشتری در محدودسازی تبعات کووید ۱۹ داشته باشند، در نتیجه زبان اقتصادی کمتری خواهند دید.

سیاستگذار وقت‌شناس

حد یقف مداخلات سیاستی
در دوره بحران کرونا کجاست؟



الکساندر ریپوچی
استادیار مالی دانشگاه جان هاپکینز

به دنبال شیوع گسترده کووید ۱۹ در جهان، همان‌طور که در مورد اپیزود قبلی‌اش یعنی بحران مالی رخ داد، بی‌ثباتی و نوسان در اقتصاد جهانی بسیار بالا رفت. تحلیل کشور به کشور ما اهمیت نوسان اقتصاد جهان را (هر زمان این نوسان‌ها از حد آستانه برآورد شده بیشتر شده است) بابت اثرگذاری بر رشد اقتصادی جهان نشان می‌دهد. بنابراین در پیش گرفتن مداخلات سیاستی برای کاهش دادن نوسان اقتصاد جهانی، محافظت از ثبات مالی و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی کاملاً مورد نیاز است. در این رابطه بانک‌های مرکزی در سراسر دنیا اقدامات قاطعانه و جسورانه‌ای را با اتخاذ سیاست تسهیل پولی، خرید طیفی از دارایی و تامین نقدینگی برای نظام مالی در پیش می‌گیرند. سیاستگذار البته مجاز است که تا حدودی در برابر تبعات بحران و مشکلات مالی، صبر و مدارا نشان دهد. برای مثال او بازسازی ساختار وام‌ها را تسهیل می‌کند و ملزومات تامین زبان‌های ناشی از وام‌های تسهیل شده را فراهم می‌کند. این واکنش‌ها کاملاً منطبق بر شکست‌های احتمالی بازار در بحران است، رویدادهایی چون ناتوانی در ارزش‌گذاری درست نوسان‌ها. با این همه سیاستگذار باید وقت‌شناس باشد و قاعده‌تانی نمی‌تواند منتظر تعدیل ساختاری در دوره پس از کووید ۱۹ بماند.

در ضرورت تعطیلی چند هفته‌ای

چگونه جان ۱۰۰ هزار نفر را در یک سال نجات بدهیم؟



محمد مروتی
استاد موسسه عالی آموزش
و پژوهش برنامه ریزی



محمد اکبرپور
استاد دانشگاه استنفورد

با توجه به شیوع کرونا، سطح فعالیت‌های اجتماعی کاهش یافته و اکثریت مردم پروتکل‌های بهداشتی (ماسک، شست‌وشوی دست، فاصله‌گذاری اجتماعی) را رعایت می‌کنند. در عین حال به دلیل ناقل بودن افراد بدون علائم، افراد بیمار ناخواسته افراد جدیدی را مبتلا می‌کنند که در نتیجه زنجیره انتقال بیماری ادامه می‌یابد. فرض کنیم یک فرد متوسط با ۵۰ نفر در تماس است و به دلیل رعایت پروتکل‌های بهداشتی، هر فرد بیمار تقریباً یک نفر دیگر را بیمار می‌کند. در این صورت اگر در یک شهر ۲۰۰ نفر بیمار باشند، تعداد بیماران کمابیش حدود ۲۰۰ نفر می‌ماند. به دلیل اینکه هر بیمار به طور متوسط یک فرد سالم را بیمار می‌کند، اگر به دلیلی ناگهان تعداد بیماران به ۵۰۰ نفر برسد، از آن به بعد تا مدت‌ها تعداد بیماران حدود ۵۰۰ نفر خواهد ماند.

به طور مشابه اگر بتوان به طریقی - مثلاً یک تعطیلی ضربتی - تعداد بیماران را به

۱۰۰ نفر رساند، با حفظ سطح تعاملات و رعایت پروتکل‌ها، از آن به بعد تعداد بیماران حول و حوش ۱۰۰ نفر باقی خواهد ماند. تفاوت این سناریوها در آن است که وقتی سطح پایدار تعداد بیماران حدود ۵۰۰ نفر است، تعداد مرگ‌ومیر حدود پنج برابر زمانی است که سطح پایدار تعداد بیماران ۱۰۰ نفر است.

از همین مثال ساده روشن است که نقش یک تعطیلی ضربتی چند هفته‌ای چقدر برجسته است: بعد از چند هفته تعطیلی و کاهش شدید تماس‌ها، تعداد بیماران افت شدیدی خواهد کرد. اگر بعد از تحمل این چند هفته دشوار، سطح تعاملات و فعالیت‌های اقتصادی دقیقاً به سطح فعلی برگردد، از آن به بعد سطح پایدار تعداد بیماران و به دنبال آن مرگ‌ومیر روزانه در سطح تعادلی بسیار پایین‌تری پایدار خواهد شد.

فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند در سطح فعلی ادامه یابد و البته پروتکل‌ها همچنان با جدیت رعایت شود. مساله‌ای که پیش‌روی سیاستگذار است به بیان ساده به شرح زیر است: میزان مرگ‌ومیر روزانه فعلی در حدود ۵۰۰ نفر را تا مدت‌مدیدی بپذیرد یا سختی دو سه هفته تعطیلی را به جان بخرد و از آن پس تعداد مرگ‌ومیر روزانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر را تحمل کند. یعنی با چند هفته تعطیلی سراسری می‌توان سالانه جان بیش از ۱۰۰ هزار نفر را نجات داد. لازم به تاکید است که اولاً سطح فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند بعد از این تعطیلی به سطح فعلی بازگردد و ثانیاً باید رعایت پروتکل‌های ساده بهداشتی (ماسک و شست‌وشوی دست و فاصله‌گذاری اجتماعی) با شدت و جدیت فعلی و حتی بیشتر ادامه یابد. به نظر می‌رسد انتخاب بین جان ۱۰۰ هزار نفر از هموطنان به ازای تعطیلی دو هفته‌ای چندان محل تردید و تامل نباشد.

حمایت از فقرا الزامی است

بررسی آثار اقتصادی کووید ۱۹ در گفت و گو با محمد هاشم پسران

آثار و تبعات اقتصادی ناشی از همه‌گیری کووید ۱۹ احتمالاً طولانی‌مدت‌تر از آنچه تصور کرده‌ایم خواهد بود. محمد هاشم پسران، اقتصاددان ایرانی و استاد دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، با بی‌سابقه توصیف کردن این بیماری و اثرگذاری آن در اقتصاد، می‌گوید اکنون زمانی است که دولت باید برای گذار از این بیماری و حفظ جان مردم هزینه کند و نگرانی از کسری بودجه و تورم را برای دوران پساکرونا بگذارد.

در مقاله «پیامدهای اقتصادی کووید ۱۹» که با چهار اقتصاددان دیگر نوشته‌اید، عنوان کردید که این پاندمی از نظر شیوع و اثرگذاری در جهان بی‌سابقه بوده است. با چه مولفه‌ها و شاخص‌هایی کرونا را بی‌سابقه توصیف کرده‌اید؟ آیا در تاریخ نمونه مشابهی نداشته‌ایم که یک رخداد طبیعی چنین اثری بر اقتصاد جهانی داشته باشد؟

همه‌گیری کووید ۱۹ واقعاً یک پدیده استثنایی است، هم به خاطر قدرت اشاعه بیماری، هم به دلیل تعاملات بالا و ارتباطات گسترده و سریع مردم جهان با یکدیگر. توجه داشته باشید که دنیا هیچ وقت مانند امروز از نظر تجارت، جابه‌جایی مسافر و

گردشگری و به‌طور کلی از نظر تماس متصل و مرتبط نبوده است. این شرایط برای شیوع بالای بیماری‌های مسری مانند کرونا بستر مناسبی ایجاد کرده است. کووید ۱۹ «عدد سرایت پایه» یا «شماره آر» (Basic Reproduction Number) نسبتاً بالایی دارد. این عدد نشان می‌دهد که اگر هیچ اقدام حفاظتی صورت نگیرد، گسترش و شیوع یک بیماری چگونه خواهد بود. این عدد برای کرونا معادل ۳ برآورد می‌شود. یعنی اگر مردم هیچ اقدام حفاظتی انجام ندهند، هر فرد می‌تواند به طور متوسط سه نفر دیگر را آلوده کند. در این شرایط در عرض یک هفته تعداد مبتلایان حدود چهار برابر و در عرض دو هفته بیشتر از ۱۵ برابر می‌شود. این نرخ به طور تصاعدی به سرعت افزایش پیدا می‌کند. از این نظر قدرت این بیماری در واگیری بسیار بالاست. در گذشته بیماری‌های دیگری هم بودند که سرعت سرایت بالایی داشتند اما شرایط واگیری تا این اندازه زیاد نبوده که مثلاً فرد در فاصله یک‌متری مبتلا باشد و از طریق هوا و تنفس به سرعت درگیر و مبتلا شود. این بیماری از این نظر استثنایی است. ضمن این که شرایط امروز دنیا در مقایسه با گذشته از نظر سطح و سرعت ارتباطات و تعامل بسیار گسترده‌تر و در هم پیچیده‌تر است. فکر نمی‌کنم در تاریخ جهان چنین پدیده‌ای رخ داده باشد حتی طاعون و مرگ سیاه در اروپا یا در ایران در دوره ساسانیان که لطامت زیادی وارد کرد هم این چنین در جهان فراگیر نشد و بیشتر منطقی‌های بود. حتی رویدادهای خسارت‌باری چون جنگ‌های جهانی اول و دوم هم به این شکل نبودند که در آن واحد همه دنیا را در بر بگیرند. جنگ از یک منطقه به منطقه دیگر گسترش پیدا می‌کرد. اما اشاعه این بیماری جهانی است.

البته یک تفاوت عمده بین جنگ و این بیماری وجود دارد که مربوط به از بین رفتن زیرساخت‌ها و سرمایه‌هاست. در زمان جنگ به‌واسطه تلفات انسانی و تخریب سرمایه‌های فیزیکی که در سطح گسترده صورت می‌گیرد، قسمت‌های مختلف اقتصاد فلج می‌شود و سرمایه‌ها منهدم می‌شود. کووید ۱۹ سرمایه اقتصادی را از بین نمی‌برد یعنی امکان عمومی، سینماها، رستوران‌ها، هواپیماها یا قطارها نابود نمی‌شوند اما استفاده از آنها کم یا متوقف می‌شود و زمانی که بیماری مهار و کنترل شود، بازگشت اقتصاد هم شروع می‌شود، از این نظر در مقایسه با جنگ شرایط اقتصادی پس از کووید ۱۹ می‌تواند با سرعتی بیشتر به حال عادی برگردد اما آن‌طور که در ابتدا تصور می‌شد اقتصاد پس از کووید با مشکلات بسیاری مواجه خواهد بود. زیرا طولانی شدن مدت زمان بیماری باعث می‌شود برخی از کسب‌وکارها به طور دائمی تعطیل شوند، مثلاً یک رستوران اگر چه از نظر فیزیکی از بین



نمی‌رود اما به خاطر تعطیلی درازمدت، دیگر بسته می‌شود. در بازارهای سهام هم کسب‌وکارهای مختلف به اندازه‌های متفاوت از این بیماری متاثر می‌شوند و می‌توان با کمک دولت مثل اعطای وام‌های کوتاه‌مدت، به تدریج به تسریع بازگشت اقتصاد کمک کرد چون ریشه این بحران، مالی نیست و سلامت مردم است. این نکته امیدوارکننده را هم در نظر بگیریم که نرخ مرگ‌ومیر در این بیماری نسبت به امراض واگیردار دیگر بالا نیست اما قدرت سرایت آن زیاد است و چون تعداد مبتلایان بالاست میزان مرگ‌ومیر هم بالا رفته. بنابراین نمی‌توان در برابر این همه‌گیری، منفعل بود. چون وضعیت وخیم‌تر و بدتر می‌شود. اثر اولیه این

بیماری روی نیروی کار است یعنی افرادی مبتلا می‌شوند و به دلیل بیماری قادر به کار کردن نیستند و اقتصاد از این نظر ضربه می‌بیند. اثر ثانویه هم این است که دولت به خاطر مقابله با بیماری مجبور است برخی کسب‌وکارها را تعطیل کند تا میزان تلفات افزایش نیابد. اثرات ثانویه این بیماری هم روی اقتصاد قابل توجه است.

در مقاله شما آمده است که بحران اقتصادی ناشی از کووید ۱۹ طولانی‌مدت خواهد بود. چگونه به این نتیجه دست یافتید که اثر این بیماری بر اقتصاد درازمدت باقی می‌ماند؟

همان‌طور که گفته شد قدرت واگیری کووید ۱۹ در سطح بسیار بالایی است و اگر در برابر این بیماری مقابله‌ای صورت نگیرد باید حداقل ۷۰ تا ۸۰ درصد مردم مبتلا شوند تا مصونیت گله‌ای ایجاد شود. در نتیجه میزان مرگ‌ومیر هم بسیار بالا می‌رود که از نظر اجتماعی و انسانی اصلاً قابل قبول نیست.

خبر خوب هفته گذشته این بود که شرکت فایزر و شرکت همکارشان در آلمان و همچنین شرکت مدرنا اعلام کردند واکسنی را آزمایش کردند که اگر فرد آن را در دو مرحله به فاصله سه هفته دریافت کند تقریباً ۹۲ تا ۹۵ درصد مصونیت پیدا می‌کند. در شرایط فعلی نمی‌توان مدت زمان مشخصی را برای دوام بیماری عنوان کرد چون اولاً نمی‌دانیم واکسن چه زمانی برای استفاده تایید نهایی می‌شود و دوم اینکه چه زمانی به دست همه مردم می‌رسد. این بیماری یک مساله جهانی است. نمی‌توان واکسن را فقط به مردم آمریکا یا اروپا رساند و مساله را حل کرد. چون مرضی همچنان گسترش می‌یابد و حتی بخشی از واکسن زده‌ها را هم تهدید می‌کند. اقتصاد فعلاً همچنان با این بیماری درگیر خواهد بود و هر چه دوام آن طولانی‌تر شود، احیای اقتصاد نیز بیشتر طول خواهد کشید.

چین چگونه توانست با این بیماری مقابله کند و از نظر اقتصادی وضعیت خودش را بهبود ببخشد؟ در مقاله ذکر کرده‌اید که آمریکا و بریتانیا بیشتر از این بیماری آسیب می‌بینند در حالی که چین شانس بیشتری برای بهبود عملکرد اقتصادی دارد.

چون سیاست دولت و رفتار چینی‌ها برای مقابله با بیماری بسیار سریع و قاطعانه بود. چین در یک دوران نسبتاً کوتاه شهرهای مهم درگیر با بیماری را کاملاً جدا و قرنطینه کرد و اجازه نداد کسی غیر از افراد یک خانواده متشکل از والدین و فرزندان تحت سرپرستی آنها با هم رفت‌وآمد داشته باشند. آمارهای موجود در مورد میزان تماس در چین این مساله را تایید می‌کند. برای مثال قبل از اینکه مرض به شانگهای و پکن بیاید، متوسط تعداد کسانی

عدد سرایت برای
کرونا معادل ۳

برآورد می‌شود.
یعنی اگر مردم
هیچ اقدام حفاظتی

انجام ندهند، هر
فرد می‌تواند به طور

متوسط سه نفر دیگر
را آلوده کند. در این

شرایط در عرض یک
هفته تعداد مبتلایان

حدود چهار برابر و
در عرض دو هفته

بیشتر از ۱۵ برابر
می‌شود.

بتواند تا حدی کمتر از بقیه لطمه ببیند اما در نهایت به خاطر ارتباطات گسترده موجود بین کشورها مصون از آثار منفی جهانی این بیماری نیست.

❖ اشاره کردید که به مردم حق می‌دهید که فعالیت اقتصادی داشته باشند. قاعده‌تاً مردم نمی‌توانند به تنهایی با این بیماری مقابله کنند و نیاز به حمایت دولت دارند. در مقاله هم از اقدامات حمایتی دولت گفته‌اید. دولت و مردم چگونه باید به مقابله با این بیماری و تبعات اقتصادی‌اش بروند؟

دوباره باید به سرعت اشاعه این بیماری که بسیار بالا و قدرتمند است، توجه کرد. به طور طبیعی اگر بخواهیم با این بیماری مقابله کنیم باید رفتار اقتصادی و رفتار اجتماعی مردم را تغییر بدهیم. اما می‌دانیم که بعضی افراد مجبور به مشارکت در نظام اقتصادی هستند و اگر هم بخواهند رفتارشان را برای مقابله با بیماری عوض کنند، توان آن را ندارند. مثلاً کسانی که در صنعت حمل‌ونقل فعالیت می‌کنند یا افرادی که در صنعت گردشگری مشغول به کارند؛ یا کافه‌ها و رستوران‌ها و صنایعی که کار تامین غذای دیگران را برعهده دارند. ما نمی‌توانیم آنها را برای درآمدت از کار و فعالیت منع کنیم و واکنسی هم نداریم که آنها را در برابر بیماری مصون نگه داریم. پس باید اجازه دهیم فعالیت‌های اقتصادی داشته باشند یا اینکه دولت از آنها حمایت کند تا بتوانند در فاصله‌گذاری اجتماعی و تعطیل اجباری مشارکت کنند. باید به این نکته توجه کرد که حمایت از افرادی که به خاطر کووید ۱۹ قادر به فعالیت اقتصادی نیستند، فقط برعهده دولت نیست و مردم هم باید از آنها حمایت کنند. یادتان باشد همه مردم ایران یا همه مردم دنیا در شیوع این بیماری مشارکت دارند و همه در مقابل این مرض آسیب‌پذیر هستند. یک نفر به‌تنهایی نمی‌تواند مساله خود، خانواده و اطرافیانش را حل کند. واضح است که دولت نقش مهمی دارد چون دولت نماینده مردم است و از طریق این نمایندگی این مسوولیت بزرگ را دارد که از افراد حمایت کند. وقتی می‌گوییم مشاغل غیر ضروری باید تعطیل شود مشخص است که دولت باید از آنها حمایت کند؛ همان‌طور که در انگلیس این اتفاق افتاد. در آمریکا هم این حمایت تا حدودی صورت گرفت. اروپا و حتی ایران هم تا حدودی این اقدام را انجام دادند. اما اصولاً دولت‌ها توان و قدرت اقتصادی کافی برای این کار را ندارند. مثلاً هند با توجه به جمعیت بالا و گسترده‌گی کشور قادر به این کار نیست. هنوز برای قضاوت زود است چون مساله بیماری تمام نشده اما احتمالاً هند آسیب بیشتری در بحث سرمایه‌انسانی می‌بیند تا اروپا. در ایران هم متأسفانه وضعیت همین است. تأکید دارم که بگوییم دولت و مردم باید با هم به گروه‌هایی که به خاطر این بیماری فقیر و مستضعف شدند، کمک کنند، و به‌خصوص شرایط اقتصادی مناسبی را برای مشارکت این طبقه در اقتصاد پس از کووید ۱۹ فراهم کند.

❖ برای ایران که دولت با کسری بودجه و اقتصاد با تورم بالا و رکود مواجه است هم همین توصیه را دارید؟

از نظر من در این شرایط اصلاً مساله بودجه مطرح نیست؛ چون اگر حمایت‌های لازم صورت نگیرد عواقب منفی اقتصادی‌اش چه در بحث بودجه و چه در مساله رکود و تورم بسیار بیشتر خواهد بود، تلفات انسانی بیشتر می‌شود و تبعات اجتماعی و سیاسی‌اش بیشتر خواهد شد. در برخی زمان‌های کاملاً استثنایی مانند شرایط حاضر نباید فقط به مساله مالی نگاه کرد. دولت باید اکنون هزینه کند، درست است که احتمالاً تورم در آینده بیشتر می‌شود اما این مساله باید در آینده جبران شود. دولت باید هم‌زمان که برنامه‌هایش را برای گذار از این دوران ارائه می‌دهد برنامه‌هایی برای دوران پس از کرونا داشته باشد و آن را به طور شفاف به مردم توضیح دهد و بگوید در آن زمان برای مهار تورم یا کسری بودجه چه خواهد کرد. اما الان زمان هزینه کردن است. موقعیت خلاف این گفته‌ها را در نظر بگیرید: شما در دوره‌ای کار و فعالیت زیاد دارد و پس از آن می‌توانید یک دوره راحت‌تر را سپری کنید و از پس‌انداز و سرمایه‌گذاری‌ای که قبلاً کرده‌اید استفاده کنید. شرایط کنونی تقریباً عکس آن است، بهتر است در حال حاضر هزینه بیشتری برای گذار داشته باشید و بعداً این هزینه‌ها را در شرایط عادی اقتصاد با کار بیشتر جبران کنید. غیر از این ممکن است تلفات و صدمات آن قدر زیاد باشد که اصلاً قابل جبران نباشد. این از نظر سیاست اقتصادی مهم‌ترین مساله است که باید به طور مشخص به فکر دوران بعد از کووید ۱۹ باشیم. در شرایط فعلی کاری جز حمایت از مستضعفان به خاطر کرونا نمی‌توان کرد. باید سلامت مردم را تأمین کرد. این کار تنها بر عهده دولت نیست. همه مردم مسوول هستند و باید از اطرافیان خودشان حمایت کنند. شعر سعدی یادتان نرود که بنی آدم اعضای یک پیکرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند/ چو عضوی به درد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار. کووید ۱۹ یک مساله فرعی نیست، مساله همگی ماست. ❖

حمایت از افرادی که به خاطر کووید ۱۹ قادر به فعالیت اقتصادی نیستند، فقط بر عهده دولت نیست و مردم هم باید از آنها حمایت کنند. یادتان باشد همه مردم ایران یا همه مردم دنیا در شیوع این بیماری مشارکت دارند و همه در مقابل این مرض آسیب‌پذیر هستند. یک نفر به‌تنهایی نمی‌تواند مساله خود، خانواده و اطرافیانش را حل کند.

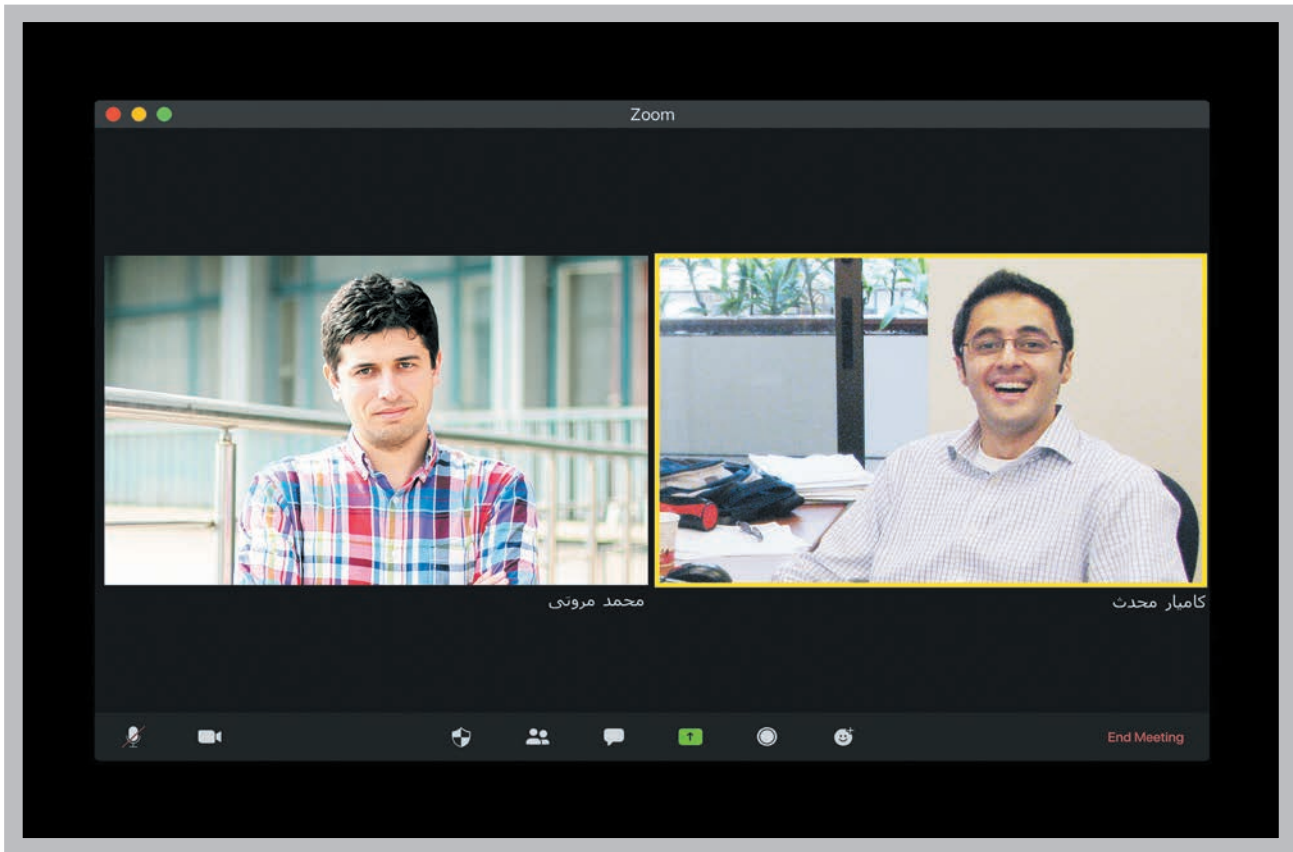
که یک فرد روزانه با آنها تماس داشت ۱۲ تا ۱۳ نفر بود. پس از قرنطینه کردن شهرهای درگیر کرونا، این عدد به ۲/۵ رسید. یعنی مردم فقط در خانه‌شان بودند و با اهل خانواده تماس داشتند. چین توانست ترکیبی از سیاست قاطع دولتی و رفتار مردم را ایجاد کند که در مهار بیماری نقشی اساسی داشت. یک رفتار مربوط به دولت است که چین آن را قاطعانه اجرا کرد به این صورت که فرد خاطی مجازات می‌شود و حتی به زندان می‌افتد، یک رفتار هم شخصی است و باید از سوی مردم انجام گیرد. این ترکیب رفتار در کشوری غیر از چین اتفاق نیفتاده است. کره جنوبی و نیوزیلند هم تا اندازه‌ای این کنترل را داشتند که البته شرایط جغرافیایی و خاص این دو کشور هم به آنها کمک کرده است. اما آمریکا نشان داد که امکان اجرای سیاست قرنطینه کامل را ندارد. اروپایی‌ها هم نتوانستند در اجرای چنین سیاستی به موفقیت کامل برسند. ایتالیا و برخی دیگر از کشورهای اروپایی این کار را کردند، اما زودتر از موعد قرنطینه را برداشتند و چون هنوز مصونیت گله‌ای ایجاد نشده بود و واکنس هم نیامده بود، موج دوم شیوع بیماری آغاز شد. در ایران هم همین اتفاق افتاد. قبل از نوروز، بیماری در مسیر مهار و کنترل بود اما با رسیدن نوروز و تغییر رفتار مردم و بالا رفتن تماس‌ها بیماری دوباره شیوع پیدا کرد. پس از آن دولت تعطیلی‌هایی را در نظر گرفت و مجدد شیوع بیماری تا حدی پایین آمد و مردم فکر کردند حالت عادی برقرار شده و دوباره همه شروع به فعالیت کردند و در نتیجه آمار تعداد مبتلایان اوج گرفت. من به مردم حق می‌دهم، آنها حق دارند کار کنند و زندگی کنند اما واقعیت این است که این بیماری تا زمان تولید واکنس و توزیع و تزریق آن در سطح جهانی همچنان ادامه خواهد داشت. من این مدت را طولانی می‌بینم چون در مورد زمان تولید انبوه واکنس و اثرگذاری آن مطمئن نیستیم و واکنس موثر هم باید به دست همه مردم دنیا برسد تا نتیجه‌بخش باشد. ادامه این ناطمینانی با احتمال زیاد بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها را به تعویق می‌اندازد. ضمن اینکه بازگشت سرمایه‌ها یا جایگزین کردن سرمایه‌های از دست‌رفته یک کار کوتاه‌مدت نیست. شومیتتر هم این نکته را می‌گوید که در یک بحران اقتصادی بسیار حاد، بعضی از قسمت‌های اقتصادی مانند آنچه در جنگ رخ می‌دهد از بین می‌رود.

❖ در مقاله تأکید می‌کنید که هیچ کشوری نمی‌تواند از این بیماری فرار کند. به طور مشخص هم به سوئد اشاره کردید. وضعیت این کشور چه مولفه‌هایی را به ما نشان می‌دهد؟

اول به این نکته اشاره کنم که مقاله ما بر اساس آمار و داده‌هایی است که تا آخر سال ۲۰۱۹ منتشر شده است. تنها آمار مربوط به ۲۰۲۰ از گزارش بازبینی شده صندوق بین‌المللی پول است. این گزارش چشم‌انداز رشد اقتصادی کشورها را در نظر گرفته و پس از انتشار نسخه اولیه در ژانویه ۲۰۲۰ در ماه آوریل بازبینی شده است. مدل مورد استفاده ما برای بررسی این داده‌ها مدل جی‌وار (GVAR) است که من با همکاری دیگران آن را طرح کرده و توسعه دادم. جی‌وار که مدل جهانی مرتبط است. در این مدل همه بازارها از جمله بازار پول، نفت، سهام و... در دنیا با هم مرتبط است در نتیجه وقتی یک شوک فراگیر مانند کووید ۱۹ رخ دهد همه این بازارها تحت تأثیر قرار می‌گیرند. همه کشورهای مهم دنیا که ۹۵ درصد تولید دنیا را در اختیار دارند، از طریق کانال‌هایی چون تجارت، حمل‌ونقل، گردشگری و... با هم در ارتباط هستند و در نتیجه شوک از یک بازار در یک کشور به یک بازار در کشور دیگر منتقل می‌شود. مثلاً ممکن است بیماری به طور مستقیم از چین به نیوزیلند سرایت نکند اما بر بازارهای آن اثر منفی می‌گذارد. نتیجه اینکه برای مقابله با این شوک اقدام همه کشورها لازم و ضروری است. دلیل اینکه به طور مشخص از سوئد نام بردیم استراتژی متفاوت این کشور در مقابله با کووید ۱۹ بود. سوئد برخلاف سایر کشورهای اروپایی به سمت تعطیلی فراگیر نفت و امر محافظت را به طور اخص به مردم واگذار کرد. یعنی دولت تعطیلی، فاصله‌گذاری اجتماعی یا اجبار به زدن ماسک را اجرا نکرد و این استدلال را داشت که مردم خودشان عاقل هستند و تصمیم می‌گیرند که چه رفتاری را در پیش بگیرند. رفتار سوئد از این منظر با دیگر کشورهای اروپایی متفاوت بود و حتی به «مدل سوئدی» مشهور شد. اما آیا این مساله باعث نشد که اقتصاد سوئد از تبعات کووید ۱۹ کاملاً مصون بماند. رشد اقتصاد سوئد هم تحت تأثیر قرار گرفت و افت کرد چون نزدیک به ۶۰ تا ۷۰ درصد تجارت سوئد با کشورهای اروپایی به‌ویژه فنلاند، نورژ و دانمارک است که آنها سیاست تعطیلی فراگیر را اجرا کردند و اقتصادشان با کندی رشد مواجه شد و در نتیجه این اقدامات، اقتصاد سوئد را هم پایین کشید. نتیجه اینکه هیچ کشوری نمی‌تواند از تبعات کووید ۱۹ در امان باشد و به‌تنهایی هم نمی‌تواند با آن مقابله کند. ممکن است

زمان هزینه

در برخی زمان‌های کاملاً استثنایی مانند شرایط حاضر نباید فقط به مساله مالی نگاه کرد. دولت باید اکنون هزینه کند، درست است که احتمالاً تورم در آینده بیشتر می‌شود اما این مساله باید در آینده جبران شود. الان زمان هزینه کردن است.



دوراهی حیات و امنیت

کرونا، تبعات اقتصادی و مداخلات سیاستی دولت در میزگرد کامیار محدث و محمد مروتی

این نظر که از یک منطقه جغرافیایی خاص (اینجا چین) شروع می‌شود و بعد به سایر کشورها سرایت می‌کند هم جدید نیست و قبلاً تجربه چین شوک‌هایی را داشته‌ایم، مانند بحران مالی ۲۰۰۸ که با سقوط کمپانی لمان برادرز در آمریکا آغاز شد و به اغلب بازارهای مالی دنیا شوک وارد کرد. همچنین اقتصاد جهانی تجربه شوک‌های سمت عرضه مانند شوک‌های نفتی را به دفعات دارد که باعث افزایش شدید قیمت نفت شده است. اما کووید ۱۹ از این جهت بی‌سابقه است که هم در طرف عرضه و هم در طرف تقاضا و هم از سمت نااطمینانی (uncertainty) به اقتصاد جهان شوک فراگیر وارد کرده است.

کووید ۱۹ عرضه کالاها و تقاضا برای آن را به شدت تحت تاثیر قرار داده و در عین حال چون هیچ‌کس از زمان تولید واکسن تایید شده و اثرگذار که بتواند ایمنی جامع و جهان‌شمولی در برابر این بیماری ایجاد کند، اطلاع ندارد، نااطمینانی زیادی هم در فضای اقتصاد جهانی ایجاد کرده است. سرعت بالای شیوع کووید ۱۹ باعث شده است که این شوک در یک مدت کوتاه روی تمامی اقتصادهای جهان چه توسعه‌یافته و چه در حال توسعه، چه کاملاً باز و چه نیمه‌بسته اثر منفی بگذارد. این شوک به دو دلیل دیگر هم بی‌سابقه است؛ یکی اینکه در رکودهای قبلی در اقتصاد، احیا در بخش خدمات بسیار سریع رخ داده است. مثلاً در شوک‌های نفتی یا بحران مالی، بخش خدمات بسیار زود بهبود پیدا کرد. اما در بحران کرونا بخش خدمات به دلیل تماس

میزگرد

در بخش‌های پیشین نوشتیم که کامیار محدث، الکساندر چودیک، محمدهاشم پسران، مهدی رئیسی و الساندرو ربوچی مقاله‌ای درباره پیامدهای اقتصادی کووید ۱۹ نوشتند و شرح دادند که عواقب شیوع این بیماری دست‌کم تا پایان سال ۲۰۲۱ اقتصاد جهان را آزار خواهد داد. برای تطبیق مطالعه این اقتصاددانان با اقتصاد ایران از کامیار محدث خواستیم در میزگردی با محمد مروتی شرکت کند. کامیار محدث در حال حاضر در دانشگاه کمبریج تدریس می‌کند و محمد مروتی نیز عضو هیات علمی دانشگاه خاتم و مدیرعامل موسسه پژوهش‌های پیشرفته تهران است.

همه‌گیری کووید ۱۹ مسأله‌ای بی‌سابقه از نظر شیوع و اثرگذاری جهانی بود. این بیماری چالش‌های بزرگی را به اقتصادهای جهان تحمیل کرد. از دکتر کامیار محدث می‌خواهم ابتدا چارچوبی کلی از اثر کووید ۱۹ بر اقتصاد ترسیم کنند. در مقاله‌ای که نوشتید، این اثر را بی‌سابقه توصیف کرده‌اید. ممکن است توضیح دهید چرا این بیماری و اثرش بر اقتصاد متفاوت از سایر شوک‌ها بوده است؟

کامیار محدث: شوک اقتصادی ناشی از همه‌گیری کووید ۱۹ مولفه‌های منحصربه‌فردی دارد که آن را از سایر شوک‌هایی که به اقتصاد وارد شده است، متمایز می‌کند. کووید ۱۹ نخستین شوک برخاسته از حوزه سلامت و بهداشت نبود و قبلاً هم بشر تجربیاتی در موردش داشته است. همچنین از



زیاد افراد به راحتی احیا نخواهد شد. برعکس آن، بخش تولید (manufacturing) است که سریع برمی گردد چون در این بخش تماس زیادی بین افراد وجود ندارد و کار بدون نزدیکی افراد به یکدیگر انجام می شود.

دلیل دوم که ما در مقاله هم نشان می دهیم این است که عدم تعطیلی فراگیر اثر این شوک اقتصادی را کم نمی کند. مثلاً سوئد که برخلاف دیگر کشورهای فعالیت های اقتصادی را تعطیل نکرد هم صدمه زیادی خورد چون اقتصادها کاملاً به هم وابسته و روی هم اثر گذار هستند. در سوئد رستوران ها و کافی شاپ ها باز بودند و مدرسه ها تعطیل نشدند. کودکان زیر ۱۶ سال هرگز تعطیلی نداشتند و همه روزها به مدرسه رفتند. فعالیت های اقتصادی در سوئد جریان داشت اما باز هم صدمه دید. پس تفاوتی ندارد استراتژی چه باشد به هر حال اقتصاد لطمه می بیند. این تجربه نشان می دهد در این شوک هیچ پدیده ستانی (trade off) بین اقتصاد و سلامت مردم وجود ندارد.

آیا میزان اثر گذاری این شوک روی اقتصاد جهانی در مقایسه با بحران مالی ۲۰۰۸ بیشتر خواهد بود؟

اوایل بروز و شیوع کووید اغلب اقتصاددانان عقیده داشتند که بهبود و احیای اقتصاد پس از دوره کرونا بسیار تند و سریع خواهد بود؛ به قولی بهبود اقتصاد به شکل ۷ خواهد بود. اما حالا می دانیم این اتفاق رخ نخواهد داد، اول به این دلیل که هنوز بیماری مهار نشده و واکسن به بازار نیامده است. پس صدمات اقتصادی آن زیاد بوده و همچنان هم ادامه دارد.

بسیاری از کشورهای سیاست تعطیلی فراگیر را انتخاب کردند و فروشگاه ها، مدرسه ها، دانشگاه ها، رستوران ها، بازارها و... را تعطیل کردند. تصور این بود که با مهار بیماری، مردم دوباره به بازار برمی گردند و فعالیت ها از سر گرفته می شود و تقاضایی که سرکوب شده به سرعت احیا می شود. اما در اغلب کشورها بعد از بازگشایی، موج دوم بیماری فراگیر شد و دولت ها دوباره مجبور به تعطیل کردن فعالیت ها شدند. در نتیجه نااطمینانی بیشتر از قبل شد. من فکر می کنم صدمه این نااطمینانی در کوتاه مدت بسیار بیشتر از اثر نااطمینانی بحران مالی ۲۰۰۸ است.

در مقاله ای که ما نوشتیم اشاره کردیم امکان بازگشت اقتصاد تا آخر سال ۲۰۲۱ بسیار اندک است و تولید ناخالص داخلی دنیا در دو سال آینده به آنچه در اواخر سال ۲۰۱۹ و قبل از فراگیری کووید برمی گردد. پس احیای اقتصاد جهان شکل نخواهد بود و امکان دارد مدت زیادی طول بکشد تا به قبل از کرونا برگردیم. احیای اقتصاد پس از بحران مالی ۲۰۰۸ نزدیک به یک دهه طول کشید. شاید بهبودی بعد از کرونا تا این اندازه طولانی نشود اما امکان اینکه رشد اقتصادی در دو سال آینده کم باشد، بسیار زیاد است به ویژه در کشورهای اروپایی و آمریکا؛ چون نااطمینانی همچنان بالا خواهد بود و تغییر رفتار مردم مدت زیادی زمان خواهد برد. مثلاً مردم تا مدت طولانی احتمالاً به رستوران نمی روند. زمانی که در انگلیس رستوران ها باز شد مجبور شدند روزهایی را تعیین و اعلام کنند اگر مردم در این روزها به رستوران بروند، دولت نصف پول غذا را پرداخت می کند. نااطمینانی ذهنی در مردم بسیار بالاست و این روی بازگشایی فعالیت ها اثر گذار خواهد بود. البته این شوک اثر مثبتی هم داشته است. مثلاً استفاده از فناوری بسیار زیادتر شده است. همین پلتفرم زوم که ما امروز میزگرد را در بستر آن برگزار می کنیم، قبل از کرونا حدود دو میلیون نفر کاربر داشت که امروز به ۱۰۰ میلیون نفر رسیده است. با این حال فکر می کنم بازگشت اقتصاد به آن شکلی که ما به آن عادت داریم خیلی طول بکشد.

در مقاله اشاره دارید که چین ۵۰ درصد شانس بیشتری نسبت به اروپا و آمریکا برای بهبود اقتصاد و رشد دارد. دلیلش کنترل های سخت چین است؟

فکر کنم چند دلیل دارد؛ دلیل اول همین که چین نسبت به دیگر کشورها واکنش قاطع و سریعی در پیروسی داشت چون از آنجا شروع شده بود. اروپا تقریباً سه ماه بعد از چین درگیر وپروس شد. یعنی وقتی به اروپا رسید چینی ها تعطیلی شان تمام شده بود و به سرکار برگشته بودند. یک دلیل دیگر هم این است که بخش تولید در اقتصاد چین سهم زیادی دارد و اشاره کردم که در این شوک بخش تولید زودتر از سایر بخش ها احیا می شود. از طرف دیگر اگرچه اثر گذاری اقتصاد چین روی اقتصاد جهانی و دیگر کشورها زیاد است اما اثرپذیری اش کمتر است. همان طور که چین از بحران مالی ۲۰۰۸ کمتر از کشورهای اروپایی آسیب دید و اگر چه رشد اقتصادی اش کم شد اما منفی نشد. اینها تفاوت چین با دیگر

کامیار محدث:
کووید ۱۹ عرضه کالاها و تقاضا برای آن را به شدت تحت تاثیر قرار داده و در عین حال چون هیچ کس از زمان تولید واکسن تا بیاید نشده و اثر گذار که بتواند ایمنی جامع و جهانی شمولی در برابر این بیماری ایجاد کند، اطلاع ندارد، نااطمینانی زیادی هم در فضای اقتصاد جهانی ایجاد کرده است.

کشورهاست. شما هم حتماً دیدید که در حالی که دیگر کشورها به شدت درگیر وپروس بودند، چینی ها کنسرت در استخر آب با حضور بالا و شلوغ مردم برگزار می کردند.

محمد مروتی: در مورد چین این سوال هم وجود دارد که من دوست دارم کامیار در مورد آن توضیح دهد؛ اقتصاد چین کاملاً صادرات محور است. چطور در حالی که دیگر کشورها درگیر بحران و رکود ناشی از کووید ۱۹ هستند چین می تواند بهبود سریعی داشته باشد و به نوعی در انزوای اقتصادش را بهبود دهد و رشد کند؟

سوال بسیار خوبی است. دلیلش می تواند رشد بخش خرده فروشی در دوران کرونا باشد. در چین بخش تولید سهم بسیار بالایی دارد و بسیاری از کالاها عرضه شده در خرده فروشی ها از چین می آید. از غذا گرفته تا کالاهای حوزه فناوری. برای نمونه وقتی در انگلیس دانشگاه تعطیل و قرار شد ما از خانه تدریس کنیم، یکی از دانشجویان می خواست برای من دوربین تهیه کند که بتوانم بهتر تدریس کنم. چند روزی منتظر دوربین بودم تا اینکه وقتی بابت تاخیر از دانشجویم سوال کردم گفت آن قدر تقاضا برای دوربین زیاد است که حداقل سه هفته طول می کشد تا به دست ما برسد. یعنی وب کم در بازار بسیار کمیاب شده بود. در این دوره فروشگاه های آنلاین رشد بسیار زیادی داشتند و برای تجهیزاتی مانند کامپیوتر، کیبورد و وب کم یا غذا و حتی دستمال توالت تقاضای بالایی ایجاد شد. خوب بسیاری از این کالاها در چین تولید و صادر می شود. این شوک برای بخش تولید چین اثر مثبت ایجاد کرد و به نظر من به بهبود اقتصاد و افزایش رشد در چین کمک کرد.

با توجه به آنچه دکتر محدث توضیح دادند، به نظر می رسد اثر شوک کووید ۱۹ بر اقتصاد ایران مضاعف است؛ چون اقتصاد ما همزمان با ابرچالش های زیادی در حوزه اقتصاد دست و پنجه نرم می کند. ضمن اینکه کشورها برای کاهش آثار اجتماعی محدودیت های اقتصادی دوران کرونا هزینه های زیادی متقبل شدند اما ایران چنین منابعی در اختیار نداشت و به هر حال دشواری زیادی را متحمل شد. از دکتر مروتی می پرسیم که آثار کووید ۱۹ تا چه زمانی در اقتصاد ایران باقی می ماند؟

همان طور که اشاره کردید، اقتصاد ایران در شرایط بسیار سختی به جنگ وپروس رفته و در حالی برای مهار آن سیاست گذاری می کند که اندوخته های ندارد. به نظر من اولین عامل تشدید کننده اثر شوک کرونا مساله تحریم است. چندی پیش در اکونومیست می خواندم که انگلیس بیش از ۷۵ میلیارد پوند به افراد کمک مالی کرده تا فقط در خانه بمانند و بیرون نیایند. هر اقتصادی توان و بنیه ای متفاوت برای انجام اقدامات مقابله با کرونا دارد. اقتصاد ایران حدود سه سال است که درگیر تحریم سنگین و همه جانبه است. مانند ورزشکاری که تمام عضله هایش را از دست داده و حالا یک ضربه هم از کووید خورده و توانی برای دویدن و ادامه رقابت ندارد. منابع اقتصاد ایران برای مقابله همه جانبه با کرونا بسیار کم شده است. پیش از ضربه کرونا، اقتصاد ایران گرفتار ابرچالش های زیادی بود و در نتیجه، تبدیل به یک اقتصاد ضعیف و کم بنیه شده بود و کرونا هم ضربه محکمی به آن وارد کرد. نکته دیگر توان اندک اقتصاد ایران در حمایت از اقشار آسیب پذیر است. به فرض اگر همین امروز تحریم رفع شود و فروش نفت ما به حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز برگردد، باز هم در شناسایی خانوارهای نیازمند مشکل داریم. دو دهک آسیب پذیر که عمدتاً زیر چتر سازمان های حمایتی قرار دارند قابل شناسایی هستند اما از دهک های هفتم و ششم و پنجم که مثلاً شامل کارگران فصلی و شاغلان بخش غیر رسمی می شوند که تعدادشان هم بسیار زیاد است اطلاعات دقیقی در دسترس نیست و سیاست گذار از رساندن حمایت به آنها ناتوان است. حتی بر فرض دولت بخواهد به سمت تعطیلی فراگیر برود نمی داند چطور این خانوارها را شناسایی و به آنها کمک کند. تنها گزینه دولت این است که چتر حمایتی اش را گسترده کند و به همه کمک کند. در این صورت احتمالاً یک حالت انفجار نقدینگی اتفاق می افتد که تبعات بسیار سنگینی دارد.

علاوه بر تحریم و فقدان نظام حمایتی دقیق، مساله دیگر این است که دولت از تبعات اجتماعی تعطیلی فراگیر نگران است. ما در مقالاتی که با کمک دیگر اقتصاددانان نوشتیم توصیه کردیم که دولت باید یک تعطیلی فراگیر دو، سه هفته ای داشته باشد تا بتواند زنجیره شیوع کرونا را قطع کند. پاسخ غیر مستقیم سیاست گذار به



توصیه اقتصاددانان این بود که تعطیلی معیشت مردم را به مخاطره می‌اندازد.

همان‌طور که دکتر مروتی اشاره کردند، اقتصاد ایران گرفتار ابرچالش‌هایی نظیر کسری بودجه، بحران مالی و بحران در صندوق‌های تامین اجتماعی و بازنشستگی است اما علاوه بر مشکلات ساختاری اقتصاد با بحران بی‌اعتمادی هم مواجه است. آقای دکتر محدث، شما در مقاله خود، وضعیت اقتصادی ۳۳ کشور را بررسی کردید، سوال این است که شرایط کدام کشور به پیچیدگی شرایط امروز ایران بود؟



شک ندارم که هیچ کشوری به اندازه ایران گرفتار مشکلات پیچیده نیست. همان‌طور که محمد اشاره کرد، ایران شرایط بسیار سختی دارد، شاید سخت‌تر از همه کشورهای جهان؛ چون مشکلات امروز ایران فقط اقتصادی نیست و مشکلات اقتصاد به جامعه هم سرریز کرده است. اما اگر از زوایای دیگری به مسائل نگاه کنیم، وضعیت ایران را از خیلی از کشورهای نفتی بهتر می‌بینیم. در حال حاضر نفت ایران تحریم شده و قیمت آن در بازارهای جهانی هم بسیار پایین آمده است. اما در مقایسه با کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس، اقتصاد ایران تنوع بیشتری دارد. یعنی تحریم باعث متنوع شدن اقتصاد در ایران نسبت به کشورهایی مانند عربستان سعودی، کویت، قطر و... شده است. تحریم به اجبار وابستگی دولت ایران به نفت را کاهش داده، در حالی که اقتصاد عربستان کاملاً وابسته به فروش نفت است. با این حال تحریم، درآمدهای نفتی ایران را تقریباً به صفر رسانده و وضعیت سختی را ایجاد کرده است. در نتیجه دولت ایران نمی‌تواند مانند انگلیس کارکنان بخش خدمات را در خانه نگه دارد و بگوید ۸۰ درصد حقوقتان را پرداخت می‌کنم. در حالی که ضروری است برای مقابله با شیوع ویروس این تعطیلی اتفاق بیفتد اما باید برای جلوگیری از خدمات بیشتر بیماری در اولویت دولت قرار گیرد. چون حتی اگر واکسن موثر در برابر کرونا هم تولید شود مدتی طول می‌کشد تا به همه دنیا از جمله ایران برسد. در ۳۳ کشوری که ما مورد بررسی قرار دادیم وضعیت کشورهای آمریکای لاتین هم که متکی بر صادرات کامودیتی هستند بد است اما هیچ‌کدام درگیر پیچیدگی تحریم مانند ایران نیستند. در کشور هند هم به دلیل سبک زندگی مردم که بسیار نزدیک به هم هستند و تماس زیادی با هم دارند کنترل بیماری بسیار سخت است و تلفات بالاست. همچنین بخش غیر رسمی اقتصاد بسیار گسترده است و دولت توان حمایت از همه را ندارد، با این همه هند یک ویژگی دارد که می‌تواند تا حدود زیادی مانند چین سریع‌تر اقتصادش را احیا کند. هند شانس زیادی دارد که در آخر ۲۰۲۱ به همان جایی برگردد که در سال ۲۰۱۹ بود. چون هم بخش تولید گسترده‌ای دارد و هم بخش خدمات هند این ویژگی مثبت را دارد که می‌توان در آن دور کاری داشت و کارکنان می‌توانند از منزل کار کنند. اما کشورهای عربی شرایط به مراتب سخت‌تری را تجربه می‌کنند.

آقای دکتر مروتی همان‌طور که دکتر محدث اشاره کردند، به نظر می‌رسد در ایران سیاستگذار در دوراهی اقتصاد و سلامت گیر افتاده و هنوز نتوانسته تصمیم درستی بگیرد. فکر می‌کنید در نهایت این دوراهی به کجا ختم می‌شود؟



ظاهراً برای سیاستگذار، این دوراهی دیگر موضوعیت ندارد و احتمال می‌دهم در ذهن سیاستمدار دوراهی سخت دیگری وجود دارد که یکی به حیات جامعه و دیگری به امنیت کشور ختم می‌شود. پیش از این، سیاستگذار دوراهی سلامت و اقتصاد را پیش‌رو داشت اما اکنون شرایط پیچیده‌تر از گذشته است و سیاستگذار کمی فراتر رفته و مسأله اصلی را امنیت کشور می‌داند. برای همین است که تن به تعطیلی کامل کشور نمی‌دهد و در واقع از به خطر افتادن معیشت مردم و تبعات بعدی آن بیشتر از عواقب تشدید کرونا در جامعه، نگران است. نکته دیگر، همزمانی شوک کرونا با سال آخر دولت است. دولت‌ها در سال پایانی خود جسارت لازم برای تصمیمات جدید و مناقشه‌برانگیز را ندارند و تلاش می‌کنند زمان باقی‌مانده را کج‌دار و مریز طی کنند و امور را به دولت بعد تحویل بدهند. از نظر من کرختی سال آخر دولت در این عملی بسیار موثر است. علاوه بر این، دولت توان چانه‌زنی سیاسی در داخل را برای راضی کردن گروه‌های ذی‌نفع ندارد و برای بهبود رابطه با دنیا و برداشتن تحریم‌ها نیز کاری از دستش بر نمی‌آید. در نتیجه اجازه می‌دهد وضعیت کنونی ادامه یابد. حداقل بعد از تجربه آبان سال گذشته و با توجه به تشدید

فشار اقتصادی بر مردم در یک سال اخیر، دولت جسارتی برای تصمیمات قاطع ندارد. ضمن اینکه دستش خالی است و منابع چندانی در اختیار ندارد.

رشد اقتصادی ایران فارغ از شوک کرونا هم منفی بود. با توجه به اینکه کرونا باعث شده رشد اقتصاد جهانی تنزل پیدا کند، رشد اقتصاد ایران با توجه به همه مشکلات ساختاری که دارد در دو سال آینده چگونه خواهد بود؟



من فکر می‌کنم یک مسأله بسیار مهم در مورد ایران، از دست رفتن ظرفیت‌ها در چند دهه گذشته است. ظرفیت‌های اقتصاد ایران به واسطه شوک‌های مختلف مانند جنگ تحمیلی، نوسان‌های زیاد قیمت نفت، تحریم و... به شدت کاهش یافته و این روند همچنان ادامه دارد. رشد اقتصادی بسیار مهم است، اما مهم‌تر این است که ظرفیت و توان اقتصاد کمتر و کمتر می‌شود. البته تاکید کنم که من به اقتصاد ایران خوش‌بین هستم. فکر می‌کنم با انتخاب جو بایدن به ریاست‌جمهوری آمریکا احتمالاً از لحاظ سیاسی تغییراتی ایجاد می‌شود و زمینه برای توافق مجدد و رفع تحریم‌ها فراهم می‌شود. برای اقتصاد ایران بسیار مهم است که در بازار جهانی نفت حضور داشته باشد، نفت بفروشد و ارتباطات مالی با دیگر کشورها داشته باشد. ولی به‌طور کل این هشدار را هم باید داد که وضعیت بازار نفت در آینده احتمالاً خوب نخواهد بود چون دنیا به سمت استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در حرکت است و نفت در جهان آینده جایی ندارد. با این توضیح، به گمانم رشد اقتصادی ایران در یکی، دو سال آینده بسیار اندک خواهد بود اما سیاستمدار نباید اجازه دهد ظرفیت‌های اقتصاد ایران بیش از این از دست برود. مثلاً برای کاهش مستمر سرمایه‌گذاری و افت موجودی سرمایه باید تصمیم قاطع سیاسی گرفته شود. روند نگران‌کننده تشدید فقر در کشور باید متوقف شود چون می‌تواند آثار سیاسی و اجتماعی زیادی داشته باشد. آموزش کودکان نباید تعطیل شود یا مدارس باید باز شود یا اینکه آموزش از طریق اینترنت برای کودکان فراهم باشد چون آنها سرمایه‌های انسانی هستند. رشد اقتصاد ایران در دست افراد زیر ۲۰ سال است. از نظر من سیاست سوند در تعطیل نکردن مدارس کاملاً درست بود. انگلیس هم با وجود تعطیلی فراگیر مدارس و دانشگاه‌ها را تعطیل نکرده است. در نهایت نکته‌ای که به نظر من به رشد اقتصاد ایران کمک می‌کند حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط حوزه فناوری است. این شرکت‌ها در سال‌های اخیر رشد زیادی داشته‌اند و می‌توانند بخش خدمات فناوری در اقتصاد ایران را بسیار توسعه دهند و به رشد اقتصادی کمک کنند.



رشد اقتصاد ایران از سه سال پیش منفی است و قاعدتاً در دو سال آینده منفی نخواهد بود چون اثر توفیق یا کاهش فعالیت کسب‌وکارها یک بار در فرآیند محاسبه رشد اقتصادی دخالت داده شده است. به عبارتی وقتی چراغ‌های یک اتاق خاموش شود، این اتاق تاریک شده و بیشتر از این تاریک نخواهد شد. درباره اقتصاد ایران کار به استخوان رسیده و دیگر نمی‌تواند بیشتر از این منفی باشد مگر یک فروپاشی بزرگ در بخش‌هایی از اقتصاد رخ دهد یا اقتصاد ایران درگیر چرخه سقوطی شود که پیش از این اقتصادهایی نظیر ونزوئلا و زیمبابوه گرفتار آن شده‌اند که البته این اتفاق بعید است در اقتصاد ایران رخ دهد چون توان تولید در ایران قابل مقایسه با این کشورها نیست ضمن اینکه در دو سال اخیر به واسطه جهش نرخ ارز، برخی از صنایع داخلی جان تازه گرفتند. اما واقعیت این است که نگرانی اصلی من رشد منفی نیست؛ بلکه نگرانی اصلی من فروپاشی ساختاری اقتصاد است. این اقتصاد در حال از دست دادن ظرفیت‌هایی است که فقدان آنها از رشد منفی هم خطرناک‌تر است. سیاستگذار متوجه نیست که رشد اقتصادی بازمی‌گردد اما زمان و موقعیت برای اصلاحات اقتصادی در حال از دست رفتن است. همچنین از نکته‌ای که کامیاب در مورد حفظ ظرفیت‌ها و مسأله آموزش گفت بسیار لذت بردم. از دست دادن سرمایه‌های انسانی در این دوره می‌تواند در یکی دو دهه آینده ما را دچار اثرات منفی دائمی بکند، مشکلی که ۲۰ سال بعد عوارض وخیمش آشکار می‌شود. این مشکل از جنس سرماخوردگی نیست، از جنس سرطان است. یعنی ممکن است امسال و چند سال بعد متوجه هیچ مشکلی نشوید اما در نهایت دچار یک عارضه بدخیم می‌شوید.

اجازه بدهید کمی از حوزه اقتصاد دور شویم. به نظر شما آثار سیاسی شوک کووید ۱۹ چه خواهد بود؟ این را به خاطر این پرسیدم که تحلیلگران معتقدند یکی از دلایل ناکامی ترامپ در انتخابات آمریکا، ناتوانی در مدیریت بحران کرونا بود. به نظر شما کووید ۱۹ در انتخابات آینده ایران هم نقش آفرین خواهد بود؟

یعنی کشورهای هاستند که وضعیت اقتصادی به مراتب بدتری از ایران دارند اما هراسی از هزینه کردن ندارند. به نظر من این بسیار مهم است که بدانیم اکنون زمان هزینه کردن است. نباید از هزینه برای مقابله با کرونا بترسیم چون اگر اکنون خرج نکنیم و از مردم حمایت نکنیم، هزینه بعدی اش احتمالاً خیلی بیشتر است. حتماً چند ماهی طول می کشد تا واکسن به ایران بیاید و با این واکسیناسیون فراگیر مساله این بیماری حل نخواهد شد. ضمن اینکه هنوز نااطمینانی بسیار بالاست و دانش ما نسبت به این ویروس اندک است. در نتیجه نباید تصور کنیم به این زودی ها بیماری مهار و کنترل می شود. هنوز مشخص نیست که آیا افراد مبتلا شده دوباره هم درگیر ویروس می شوند یا خیر. در این شرایط سخت اقتصادی و نااطمینانی، دولت باید هر کاری که می تواند بکند تا مردم را محافظت کند. درست است که نمی توان در یک بازه زمانی چندساله هزینه کرد و به مردم پول رساند و از آنها حمایت کرد اما در کوتاه مدت می توان این بدهستان را داشت که خرج کنیم و مردم را در امان نگه داریم تا بعد از کرونا جبران ماغات کنیم.



محمد مروتی:
احتمال می دهیم در ذهن سیاستمدار دوراهی سخت دیگری وجود دارد که یکی به حیات جامعه و دیگری به امنیت کشور ختم می شود. پیش از این، سیاستگذار دوراهی سلامت و اقتصاد را پیش رو داشت اما اکنون شرایط پیچیده تر از گذشته است و سیاستگذار کمی فراتر رفته و مساله اصلی را امنیت کشور می داند.

بر حسب اتفاق چند روز قبل به طور مشترک با محمد اکبرپور مقاله ای نوشتیم و تاکید کردیم که لازم است دولت دو تا سه هفته را تعطیل کند تا بتواند جان افراد زیادی را نجات دهد و سرمایه انسانی را حفظ کند. عنوان دقیق این مقاله «در ضرورت تعطیلی دوهفته ای» است یا اینکه «چگونه ۱۰۰ هزار نفر را نجات دهیم». با این همه باید دقت داشته باشیم که نگاه سیاستگذار به مساله متفاوت است. در نهایت اوست که باید هزینه های سیاستگذاری را محاسبه کند و اوست که باید متقاعد شود که هزینه تداوم وضع فعلی از هزینه انجام اقدامات سریع و قاطعانه بیشتر است. شاید تعبیر خوبی نباشد ولی در حال حاضر وضعیت دولت مثل راننده یک تریلی حمل سوخت است که می داند تانکر سوراخ شده و دارد نشت می کند، ولی در بیابان و نصف شب دارد حرکت می کند، می ترسد اگر برای ترمیم نشتی بایستد، راهزنان حمله کنند و کل تریلی را بگیرند. بنابراین می گوید بگذار با همین نشتی ادامه دهیم تا به نقطه مطمئنی برسیم. در نتیجه ترجیح می دهد بخشی از ذخیره سوخت را از دست بدهد اما بخشی را هم به مقصد برساند. به هر حال سیاستمدار هنوز متقاعد به توقف نشده است.



ولی کار اشتباهی می کند. چون نه ما و نه سیاستگذار اطلاعات درست و دقیقی در مورد ویروس نداریم و همگی گرفتار نااطمینانی هستیم. اگر شوک کنونی یک بحران مالی یا بحران بانکی بود می توانستیم بگوییم سازوکار گذار از بحران چگونه است، بحران چه زمانی تمام می شود، روی هر بخش اقتصاد چه اندازه اثر گذار است و کدام بخش ها به کمک نیاز دارند و چه بخش هایی از بین می روند. اما در مورد شوک کووید ۱۹ اطلاعات اندکی داریم. این شوک همه جا وجود دارد و همه اقتصادها را تحت تاثیر قرار می دهد.



می فهمم. من بحثم مساله دیگری است که به نظر نکته مهمی است. من فکر می کنم سیاستگذار اشتباه را جای دیگری و قبل از این مرحله مرتکب شده است. قضیه همان تانکر سوخت را در نظر بگیرید. مساله این است که سیاستگذار باید قبل از حرکت به طور کامل بازرسی و واریسی انجام می داد. یا در طول مسیر هر جا که امن بود می ایستاد و تانکر را چک می کرد و خرابی ها را تعمیر می کرد. باید باک سوخت خود را پر می کرد. حالا از روی بی فکری و درگیری با مسائل حاشیه ای این کارها را نکرده است و الان وسط بیابان در جاده ای ناامن با تانکر سوراخ و بدون تجهیزات و امکانات قرار گرفته و از دزدان هم می ترسد، اما کاری نمی تواند بکند. من می خواهم بگویم سیاستگذار اشتباه را چند سال قبل مرتکب شده که هیچ منابعی برای بحران و روز میبادا کنار نگذاشته است. اقتصاد ایران حتی به منابع خارجی هم دسترسی ندارد که بتواند از بازارهای بین المللی قرض بگیرد. اگر چهار سال قبل اوراق قرضه دلاری و یورویی منتشر کرده و در بازارهای بین المللی فروخته بود الان از طرفی دستش خالی نبود از طرفی ممکن بود مجرای برای تامین مالی ارزی فراهم شود.



من این مساله را قبول دارم که در سال های گذشته سوءمدیریت در نظام حکمرانی اقتصاد ایران مشکلات فراوانی ایجاد کرده است اما این مساله تازه و مربوط به چند سال گذشته نیست، بلکه چند دهه قدمت دارد. تمام تصمیمات اقتصادی که گرفته شده تا اندازه ای بد بوده است و این اشتباهات جمع شده است. اما احتمالاً الان زمان مناسبی برای جبران آن اشتباهات نیست.

من تردید دارم که بتوان باخت ترامپ را تنها و تنها به شوک کرونا نسبت داد. مساله بیشتر به رفتار یکجانبه گرایانه و خودشیفتگی او بر می گردد و اینکه اصلاً اهل مدارا نبود. این مساله به زیان او تمام شد اما در مورد ایران من فکر می کنم دولت در مقابله با کووید به نسبت فقر شدید منابع و امکاناتی که در اختیار داشته، بد عمل نکرده است. مثلاً مصوب می شود که از صندوق توسعه ملی یک میلیارد یورو در اختیار دولت قرار گیرد اما واقعیت این است که پولی در بساط نیست و دولت باید پول چاپ کند. به رغم همه انتقاداتی که وجود دارد به نظر من باید به وزارت بهداشت و کلیت دولت برای اقدامات مقابله ای که با دست خالی انجام دادند، خسته نباشید هم گفت. شخصاً تصور این عملکرد با توجه به آنچه دولت در توان داشت را نداشتم و معتقد نیستم که دولت خیلی بد عمل کرده است. اقدامات دولت در این زمینه نسبت به کیفیت نظام حکمرانی، بالاتر از متوسط بوده است. در نتیجه فکر نمی کنم شوک کووید اثر زیادی روی انتخابات سال آینده داشته باشد، مگر اینکه به اقتصاد لطمه شدیدی وارد بیاورد.



شوکه های بزرگ علاوه بر اثر گذاری روی رشد اقتصادی، که چند سالی طول می کشد تا برگردد، روی مساله نابرابری هم اثر گذار است. تجربه نشان می دهد در چنین شوکه هایی، همان طور که در بحران مالی ۲۰۰۸ هم دیدیم، نابرابری افزایش می یابد. من در علوم سیاسی تخصص ندارم، ولی به نظر من افزایش نابرابری خطر بروز پوپولیسم را بیشتر کند. در اروپا و آمریکا هم بعد از اجرای سیاست های ریاضتی، پوپولیسم در عرصه سیاسی بسیار رشد کرد. درست است که در انتخابات آمریکا ترامپ باخت، اما ترامپیسم نابخسته است و برخی عقیده دارند که ترامپ دوباره در ۲۰۲۴ ظهور می کند. از این نظر کووید می تواند اثر سیاسی داشته باشد.



من موافقم که شوک کرونا نابرابری را تشدید می کند اما واقعیت این است که ما در ایران شوکه های بزرگ تری داشتیم که شکافها را خیلی بیشتر تعمیق کرد. در مورد همین مساله نابرابری، می توانم بگویم که در ایران نابرابری قبل از همه گیری کووید و زمانی که دلار جهش کرد، افزایش یافت. در واقع می خواهم بگویم این مساله وجود داشت و اساساً شیوع کرونا دیگر اثر جدی و بالایی ندارد. در دو سال گذشته شوک جهش قیمت ارز، جهش قیمت مسکن، بالا رفتن بورس، نوسانات بازارها و... همه بزرگ تر و اثر گذار تر از کرونا بوده اند. زمانی که ساحل آرام است یک موج کوچک بسیار به چشم می آید اما در دریای طوفانی، موج کوچک یا متوسط اثری ندارد و دیده نمی شود.



درست است. من فکر می کنم مشکل کشورهای اطراف ایران از نظر درگیری با شوک کووید بیشتر است؛ مثلاً در کویت، قطر، عربستان سعودی و اینها... این کشورها به یک قرارداد اجتماعی جدید نیاز دارند و آنها وضعیتی به مراتب بدتر از ایران در حوزه سیاسی و اجتماعی خواهند داشت. دولت در این کشورها دیگر توان ریخت و پاش های گذشته را ندارد. مثلاً کویت به بیماران و یک همراه، هزینه سفر به یک کشور دیگر و بستری شدن و درمان را پرداخت می کند. یا اگر فردی در خارج تحصیل کند برمی گردد در یک وزارتخانه مانند امور خارجه به کار مشغول می شود. فکر می کنم این قبیل برنامه ها دیگر نمی تواند ادامه داشته باشد. در نتیجه یک قرارداد اجتماعی جدید مورد نیاز است.



اشاره شد که دولت ایران به خاطر فقر منابع و ترس از به خطر افتادن معیشت مردم و ناآرامی های احتمالی اقدامی جدی در جهت تعطیلی فراگیر و حمایت از اقشار آسیب پذیر از این تعطیلی انجام نمی دهد. اما آیا تضمینی وجود دارد که تداوم وضع کنونی به همان نتیجه منتج نشود؟ آیا هزینه تداوم این وضعیت با توجه به نرخ بالای ابتلا و مرگ و میر بیشتر از هزینه تعطیلی فراگیر نخواهد بود؟ آیا بهتر نیست برای حفظ سرمایه های انسانی و قطع زنجیره بیماری و تداوم اثرات منفی بر اقتصاد، دولت با صرف هزینه ولو به قیمت افزایش تورم، اقدامی همه جانبه انجام دهد و بعد از مهار برنامه ای برای اصلاح اقتصاد داشته باشد؟



من کاملاً این رویکرد را قبول دارم. کشورهای زیادی هستند که نسبت بدهی شان به تولید ناخالص داخلی شان بالاست و این احتمال می رود که نتوانند بدهی خارجی شان را پس بدهند. حتی نهادهایی مانند صندوق بین المللی پول برنامه ای برای بخشش بدهی برخی کشورها در نظر گرفته اند.